

مخمسه انتخاباتی حکومت در احاطه مردم

مهران محبی، صفحه ۵



به اعضای حزب در داخل کشور

پیام حمید تقوایی در رابطه با کنگره سیزدهم، صفحه ۲

جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی یک عرصه مهم مبارزه برای پیشروی انقلاب

شهلا دانشفر، صفحه ۹

در گرامیداشت خواست "آزادی زندانیان سیاسی"

کارگر کارگاهی- حمید دائمی، صفحه ۱۴

حمله سرکوبگران حکومت به بازنشستگان را شدیداً محکوم میکنیم

سومین روز تجمع اعتراضی بازنشستگان در تهران، صفحه ۴

"خیزش بازنشسته تیشه به ریشه می زند"

شهلا دانشفر، صفحه ۳

۲۷ خرداد: تجمعات بازنشستگان نامین اجتماعی و اخباری دیگر

تجمع اعتراض حق مسلم ماست، صفحه ۶

محل کار قتلگاه کارگران - عبدال گلپریان صفحه ۸

مبارزه بر سر دستمزدها، جدالی برای لغو کارمزدی

یاشار سهندی، صفحه ۷

از مدیای اجتماعی

پیام کمیته بین المللی علیه اعدام بمناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی صفحه ۱۵

۳۰ خرداد (۲۰ ژوئن) برای آزادی زندانیان سیاسی همصدا شویم!

نهاد دادخواهان، صفحه ۱۵

وسیعاً از روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی ۲۰ ژوئن پشتیبانی کنیم صفحه ۱۶

در حمایت از ۲۰ ژوئن روز جهانی زندانیان سیاسی در ایران!

هیات هماهنگی کارزار جهانی نه به اعدام در ایران، صفحه ۱۴

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۳۶

۲۸ خرداد ۱۴۰۳

۱۷ ژوئن ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

خیزش بازنشستگان تیشه به

ریشه میزند

پیام حمید تقوایی به

بازنشستگان مبارز، صفحه ۴

روز جهانی حمایت از

زندانیان سیاسی را گرامی

بداریم صفحه ۳

فراخوان جهانی علیه

مضحکه انتخاباتی

حسن صالحی، صفحه ۱۲

آزادی و استرداد حمید

نوری محکوم است!

صفحه ۱۱

از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۱۳

کارگران در هفته ای که

گذشت

تنظیم کننده: کارگر

کمونیست، صفحه ۱۰

به اعضای حزب در داخل کشور پیام حمید تقوایی در رابطه با کنگره سیزدهم



ما همیشه گفته ایم "تعمیق نه مردم! تعمیق نخواستن. تعمیق اعتراض. تعمیق مبارزه. ما همیشه گفته ایم انقلاب جنبشی سلبی است. فکر میکنم این را همه شما میدانید. این یکی از بحثهای مهم منصور حکمت بود. انقلاب جنبشی سلبی است و این جهتگیری ما را نشان میدهد. به این معنی که ما باید تیشه به ریشه بزنیم. بله انقلاب بر سر نخواستن است ولی سؤال اینجاست که چه چیزی را نمیخواهید؟ مثلاً وقتی می‌گوییم جمهوری اسلامی سرنگون شود یعنی چه؟ آیا تمام دستگاه حکومتی را می‌گویند؟ آیا تمام ماشین دولتی را می‌گویند؟ تمام دولت ما فوق مردم را می‌گویند؟ یا بقول بحثی که در کنگره شد میخواهید فقط سرشاخه‌ها را بزنید؟ اینها مباحثی است که میتوانم بگویم حزب ما در نمایندگی کردن آن منحصر بفرد است. این خط را نمایندگی میکند. و ما تلاش میکنیم بدنبال کنگره این جهتگیری عمومی را همین‌تر "پیشبرد انقلاب و به پیروزی رساندن انقلاب از طریق تعمیق آن" را تبدیل کنیم به سیاستها، شعارها، اقدامات و رهنمودهای عملی، نقشه عملها و راهکارها.

این فعالیتی است که بعد از کنگره فوراً در دستور کار ما قرار میگیرد. تا امروز هم در همین جهت پیش آمده ایم ولی کنگره یکبار دیگر بر متن شرایط امروز و با تحلیل مشخص شرایط امروز زیر اینها خط تاکید میکشد، اینها را برجسته میکند و دقیقتر و مشخصتر و موثرتر آنها را تدوین میکند و در دستور میگذارد و پیگیری میکند.

در هر حال من امیدوارم ما به سرعت بتوانیم نتایج و مصوبات این کنگره را به نقشه عملها و دستور کارهای معینی تبدیل کنیم. بخش عمده‌ای از این اقدامات بوسیله شما عزیزان به پیش برده میشود. شما هم میتوانید نقش داشته باشید و نظر بدهید. ما در مبادله نظری با شما سیاستها را تعیین میکنیم. همیشه اینطور بوده و این بار هم همین کار را خواهیم کرد.

در خاتمه یکبار دیگر دست همه شما را به گرمی میفشارم و برایتان آرزوی موفقیت و پیروزی دارم.

۲۳ خرداد ۲۰۲۴، ۱۱ ژوئن ۲۰۲۴



به همه شما اعضای حزب در داخل کشور درود میفرستم و دستتان را به گرمی میفشارم. جای همه شما در کنگره اخیر حزب، کنگره سیزدهم، واقعا خالی بود. متأسفانه شرایط طوری است که نمی‌توانیم کنگره‌ای داشته باشیم که بدنه اصلی حزب که در واقع شما هستید و در داخل کشور فعالیت میکنید در آن حضور داشته باشید. امیدوارم بزودی شرایطی فراهم بشود که کنگره‌ای در ایران داشته باشیم و همه در آن شرکت کنیم.

البته در این کنگره هم شما به نحوی حضور داشتید. با پیامهای گرمی که برای ما فرستادید. بخش مهمی از کنگره اختصاص داشت به پیامهای شما و این پیامها واقعا یک شور و حال دیگری به کنگره داد. نه فقط پیامها بلکه فعالیتهای شما در عرصه‌های مختلف، در جنبش‌کاری، در انقلاب زن زندگی آزادی، در جنبشهای اعتراضی وسیعی که در آن شرکت دارید و فعالیت میکنید، همه اینها باعث پشتگرمی ما و مباحث ما و افتخار ما است.

حزب ما در واقع حزبی است که در سطح گسترده‌ای فعال است. در داخل کشور در شهرهای مختلف و در خارج کشور و این دو کاملاً به هم تنیده‌اند. و این کنگره، کنگره همه حزب بود.

امیدوارم جلسات و مباحث کنگره را چه از طریق کانال جدید، چه از طریق مدیای اجتماعی، دنبال کرده باشید و در جریان باشید. اینجا فرصتی نیست و قصدم هم این نیست که وارد یک یک قرارها و قطعنامه‌ها و پیامها و بیانیه‌های کنگره بشوم. اینها همه منتشر شده و اگر تا بحال ندیده‌اید شما را دعوت میکنم که حتماً دنبال کنید و آنها را مطالعه کنید و یا ویدئوهایی که در دسترس هست از جلسات کنگره را ببینید.

اینجا فقط میخواهم به این اشاره کنم که کنگره یک جهتگیری عمومی داشت که کاملاً بر متن و منطبق بر شرایط انقلاب زن زندگی آزادی بود و بر جایگاه حزب، فعالیتهای حزب، سیاستها و جهتگیریهایی که پرچمش را شما در داخل کشور در دست دارید منطبق بود و در خارج کشور تشکیلات خارج آنرا دنبال میکند. من فقط این را میخواهم تاکید کنم و بطور خلاصه این جهتگیری را به شما معرفی کنم. این کنگره، از گزارشهایی که داده شد تا سابقه فعالیت‌هایی که همه شما در جریانش هستید، یک بار دیگر نشان داد که حزب چطور در مبارزات و اعتراضات، در انقلاب زن زندگی آزادی و در جنبشهای مختلفی که در جامعه در جریان است، تنیده است. این حزب، حزب این انقلاب است و در دل این انقلاب نقش داشته، فعال بوده و از جمله به یمن فعالیت شما عزیزان، دخالتگر بوده است. و بنابراین در جایگاهی قرار داد که میتواند راه رو بجلو را نشان بدهد. بگوید چه باید بکنیم که موانع سر راه انقلاب جارو بشود. انقلاب قویتر بشود، و به پیش برود.

یک قرار مهم این کنگره در مورد تلاش برای برآمدن خیابانی مجدد انقلاب بود. چه باید کرد که این اتفاق بیفتد. یک قرار دیگرش در مورد اهمیت و ضرورت اتحاد فعالین انقلاب زن زندگی آزادی و فعالین جنبشهای اعتراضی مختلف حول سیاستهای رادیکال بود. و همه این قرارها و این مباحث مبتنی بر این ترأساسی بود که پیشروی انقلاب و در نهایت پیروزی انقلاب در گرو تعمیق نقد وضع موجود است. نقد تبعیض، نقد نابرابری، نقد سرکوب، نقد کل سیستم جمهوری اسلامی و نظامی که این حکومت نمایندگی میکند. هر چه این نقد ریشه‌ای‌تر و عمیقتر باشد انقلاب قویتر است و به پیروزی نزدیک‌تر است. موانع را جارو میکند و جلو میرود. و این پرچمی است که حزب ما بلند کرده است.

روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را گرامی بداریم



میکنند و مردم را به گسترش اعتراض و انقلاب فرامیخوانند.

در چنین شرایطی تلاش برای هر چه رساتر کردن صدای زندانیان و گسترش

مبارزه برای گشودن در زندانها و آزادی همه زندانیان بعنوان عرصه مهمی از تداوم انقلاب برای به زیرکشیدن حکومت اسلامی ضرورت بیشتری یافته است.

حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت همه جانبه از تلاش کمیته آزادی زندانیان سیاسی، و همیطور فعالیت‌های درخشان زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان و همه فعالین و تشکل‌هایی که برای آزادی زندانیان تلاش میکنند، همه مردم، دانشجویان و زنان، کارگران و معلمان و بازنشستگان، هنرمندان و نویسندگان و کلیه فعالین و تشکل‌های مردمی را به حمایت از زندانیان سیاسی و رساتر کردن فریاد اعتراض آنان فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ خرداد ۱۴۰۳، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۴

۲۰ ژوئن مصادف با ۳۰ خرداد (امسال مصادف با ۳۱ خرداد)، تلاقی دو مقطع ۳۰ خرداد ۶۰، شروع دستگیری‌های گسترده فعالین سیاسی و شکنجه و کشتار هزاران نفر از آنها، و ۳۰ خرداد ۸۸ که روز سرکوب جنایتکارانه خیزش اعتراضی مردم، به رگبار بستن تظاهرات، قتل جوانانی مانند ندا آقا سلطان و زندانی کردن هزاران نفر از مردم معترض است. کمیته آزادی زندانیان سیاسی که مبتکر و فراخوان دهنده بیست ژوئن بعنوان روز جهانی زندانیان سیاسی بوده است و برای شناساندن این روز، افشای جنایات جمهوری اسلامی و دفاع از زندانیان سیاسی پیگیرانه مبارزه کرده است، امسال این روز را به «شکنجه دارویی زندانیان»، «بازداشت خانواده‌های دادخواه و فعالین»، «دخالت و سرکوب فرا ملی»، «احکام اعدام» و همچنین جایگاه «مبارزات زنان در جامعه» اختصاص داده است و علاوه بر فراخوان یک هفته اعتراض در خارج کشور، کنفرانس بزرگی با سخنرانی حداقل ۲۴ فعال از طیف‌های مختلف سیاسی سازمان داده است.

امسال این اقدامات در شرایطی صورت میگیرد که از یکطرف جمهوری اسلامی فشار بر فعالین را تشدید کرده و هر روز تعدادی از فعالین، از زنان و معلمان و کارگران، تا دانشجویان، فعالین مدیای اجتماعی، خوانندگان معترض را به زندان می‌اندازد، بعضاً زیر شکنجه زندانیان را به قتل میرساند یا به آنها تجاوز میکند و از طرف دیگر زندانیان سیاسی و بویژه زنان زندانی شجاعانه علیه حکومت ایستادگی

“خیزش بازنشسته تیشه به ریشه می‌زند” - شهلا دانشفر

یک اتفاق مهم در سه روز گذشته تجمع اعتراضی هزاران بازنشسته فرهنگی ۱۴۰۰ در تهران در مقابل سازمان برنامه بودجه در تهران است.

روز سه‌شنبه در دومین روز این اعتراض بود که یک زن بازنشسته با فریاد خشمگینانه علیه فقر بی‌حد و حصر اظهار داد و گفت: “خیزش بازنشسته تیشه به ریشه می‌زند” و این گفته او با کف‌زدن و همراهی جمعیت بزرگ بازنشسته‌ها پاسخ گرفت. این بازنشستگان در سه روز تجمع اعتراضی خود با شعارهای “قدرت ما جمع ماست، رتبه‌بندی حق ماست”، “فکر نکنید یه روزه، قرار ما هر روزه”، “با اهل قلم هرکه درافتاد ورافتاد”، “صحنه‌های قدرتمندی از اعتراض را شکل دادند. اعتراضی با این قدرت در کنار اعتراضات دیگر بخش‌های بازنشستگان در طول هفته که با فریاد “اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد” کل جامعه را به اعتراض فرامی‌خوانند، حکومت را به وحشت انداخت.

از همین رو روز چهارشنبه در سومین روز اعتراض معلمان بازنشسته در تهران با حمله وحشیانه نیروی سرکوب حکومت روبرو شد و سرکوبگران دیوانه‌وار فریاد می‌زدند و جمعیت را به چند دسته متفرق و با فشار و تهدید به طرف میدان بهارستان



سوق دادند. اما بازنشستگان تا ۱۲ ظهر در محل ماندند و چندین بار مسافت میدان بهارستان تا سازمان برنامه بودجه را طی کردند و فریاد شعارهایشان بلند بود. در این میان ده‌ها بازنشسته دستگیر شدند. در مقابل بازنشستگان مقاومت کرده و شماری را که عمدتاً زنان بودند را از چنگ سرکوبگران بیرون کشیدند.

در برابر این تعرض حکومت، تشکل‌های مختلف از جمله شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان و شورای بازنشستگان ضمن گزارش خبرها یورش به تجمع بازنشستگان و دستگیری‌ها را محکوم کردند.

در کنار بازنشستگان بایستیم و با گسترش اعتراضاتمان پاسخ محکمی به گستاخی حکومت و یورش وحشیانه‌اش به صف اعتراض بازنشستگان بدهیم. با بیانیه‌های مشترک اعتراضی بر آزادی فوری بازنشستگان دستگیر شده تأکید کنیم. ادامه تجمعات مشترک بخش‌های مختلف بازنشستگان و حمایت‌های مردمی قدم مهمی در این راستاست.

بازنشستگان صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر و فساد و بی‌تأمینی هستند. بازنشستگان با برافراشتن پرچم اتحاد مبارزاتی کل جامعه علیه فقر و فساد و با اعتراضات جانانه خود در دفاع از زنان و علیه اعدام‌ها به یک سنگر مهم دفاع از دستاوردهای انقلاب و به الگویی برای بازگشت اعتراضات مردمی به خیابان تبدیل شده‌اند. با تمام قوا از این سنگر مهم مبارزاتی حمایت و پشتیبانی کنیم

مندرج در ژورنال شماره ۷۵۶)





"خیزش بازنشستگان تیشه به ریشه میزند" پیام حمید تقوائی به بازنشستگان مبارز

به همه شما بازنشستگان مبارز و خستگی ناپذیر درود میفرستم. اعتراضات اخیر شما، از ۲۱ تا ۲۳ خرداد، نقطه اوجی در نه تنها در جنبش بازنشستگان بلکه در صفوف انقلاب زن زندگی ی آزادی و مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی بود. شما در ابعاد چند هزار نفره تجمع کردید، خواستهای برحق خودتان را اعلام کردید، و مهم تر از آن از قول کل جامعه، به نمایندگی از کل جامعه، علیه فقر و علیه فساد حکومت کیفرخواست خودتان را اعلام کردید. فریاد زدید اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد! و این شعار پایه ای و اساسی ای هست که در تمام تجمعات شما فریاد زده شده و به نظر من این جنبش را مستحق بیشترین حمایتها از جانب اقشار مختلف مردم میکند چون این درد مشترک همه است. بی تامینی اقتصادی، دره فقر و از آن طرف کوه ثروت باد آورده که با غارت و دزدی و چپاول فراهم شده تدرد تنها بازنشسته نیست، در معلم، کارگری، کارمند و همه اقشار مردم است. باصطلاح نود و نه درصدیها، توده مردم به زیر خط فقر رانده شده، در این شعار شما خواست خودشان را می بینند. شما دارید جامعه را نمایندگی میکنید در برابر یک حکومت چپاولگر.

حکومت هم دقیقاً این را میداند و به همین خاطر به صفوف شما حمله ور شد. به همین خاطر تلاش کرد با دستگیری، با ضرب و شتم و با تهدید و ارعاب ارادی شما را درهم بشکند و مبارزات شما را عقب براند و به شکست بکشاند. ولی نتوانسته و نخواهد توانست به این هدف برسد. تا امروز نتوانسته. جامعه دیگر مرعوب نمی شود. شما نشان دادید که با این ترندها عقب نمی نشینید. و این مبارزه بی شک در صفوف گسترده تری ادامه خواهد داشت.

فراخوان من به همه مردم ایران، به کارگران، کارگران شاغل و بازنشسته در همه

بخشها، به معلمان، به جوان و دانشجویان، به جنبشهای اعتراضی دیگر، به جنبش دادخواهی، جنبش رهایی زن، و به فعالین و دست اندرکاران این اعتراضات اینست که با تمام قوا از تجمعات اعتراضی شما، از مبارزات شما، حمایت کنند. خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه عزیزانی بشوند که در روز چهارشنبه ۲۳ خرداد دستگیر شدند و همچنین آزادی همه زندانیان سیاسی.

جنبش شما، اعتراضات شما، اعتراضات برحق است در برابر حکومت و سزاور بیشترین حمایتها و بیشترین همراهی ها و همیاری ها از جانب جنبش های اعتراضی دیگر هست. از جانب تشکلهای و نهادهای مبارزاتی، چهره های مبارزاتی، ک با اطلاعیه های خودشان، با اعلامیه های خودشان و نهایتاً با بمیدان آمدن و در کنار شما قرار گرفتن در تجمعات خیابانی تان، از این مبارزات بر حق که حرف دل همه مردم را فریاد میزند پشتیبانی کنند.

امیدوارم جنبش شما قویتر، گسترده تر و با حمایت همه جانبه تر مردم ایران به پیش برود و به اهداف انسانی خود برسد. بار دیگر به شما درود میفرستم و دستتان را به گرمی میفشارم. حزب ما با تمام توان و امکاناتش مدافع و پشتیبان شماست. ایستاده ایم تا پایان! ۲۳ خرداد ۱۴۰۳، ۱۲ ژوئن ۲۰۲۴



حمله سرکوبگران حکومت به بازنشستگان را شدیداً محکوم میکنیم سومین روز تجمع اعتراضی بازنشستگان در تهران

امروز چهارشنبه ۲۳ خرداد در سومین روز تجمع اعتراضی بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۰، صدها بازنشسته در اعتراض به فقر و فساد و بی تامینی و بی پاسخ ماندن مطالباتشان در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران تجمع و اعتراض کردند.

حکومت اسلامی که از تجمع هزاران نفره بازنشستگان در روز گذشته و طنین شعارهای اعتراضی آنها به وحشت افتاده است، امروز نیروی سرکوب بسیاری را در محل مستقر کرده بود. بنا بر گزارشات این نیروها برای بازنشستگان را مورد حمله قرار داده و تلاش کردند مانع تجمع آنها شوند. آنها بازنشستگان را به زور به چند دسته متفرق کردند و آنها را با فشار و تهدید به طرف میدان بهارستان سوق دادند. اما بازنشستگان همچنان مقاومت کرده و چندین بار مسافت میدان بهارستان تا سازمان برنامه و بودجه را طی کردند و بالاخره بعد از ساعت ۱۲ مجبور به ترک محل شدند. در جریان این کشاکش و حمله نیروهای سرکوب دهها بازنشسته دستگیر شدند. شماری نیز که عمدتاً زندان بودند توسط معترضین از چنگ سرکوبگران رها شدند. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگی و شورای بازنشستگان ایران ضمن گزارش این خبر حمله وحشیانه نیروهای سرکوب به بازنشستگان و دستگیریها را محکوم کردند.

همه جانبه از اعتراضات بازنشستگان فرا میخواند. دستگیر شدگان تجمع امروز باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

بازنشستگان تحت ستم ترین بخش مردم هستند و حق بی چون و چرای آنهاست که به اجحافاتاتی که بر آنها میشود اعتراض کنند. حکومت دزد و چپاولگر و منفور اسلامی حقوق برحق این بخش از مردم زحمتکش را نیز که سالهای سال بعنوان کارگر و معلم و کارکنان ادارات، کار و تلاش کرده اند، بالا میکشد و وقتی به این دزدی و اختلاس و تبعیضات اعتراض میکنند، سرکوبگران و مزدورانش را به جان بازنشستگان می اندازد. باید بطور فعال و سراسری به حمله حکومت به بازنشستگان اعتراض کرد و آزادی فوری همه دستگیر شدگان را مورد تاکید قرار داد. بازنشستگان معترض در قلب همه مردم جای دارند و تهاجم امروز حکومت به آنها بطور قطع جز تشدید نفرت و خشم مردم علیه این حکومت منفور نتیجه ای نخواهد داشت.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ خرداد ۱۴۰۳، ۱۲ ژوئن ۲۰۲۴

حزب کمونیست کارگری با حمایت قاطع از خواستها و اعتراضات بازنشستگان حمله به بازنشستگان در تهران و دستگیری آنها را شدیداً محکوم کرده و بخش های مختلف بازنشستگان، کارگران و تشکلهای کارگری و مردمی را به حمایت و پشتیبانی

مخمسه انتخاباتی حکومت در احاطه مردم- مهران محبی

مشارکت در انتخابات صحبت می کنند.

در این رابطه مسعود پزشکیان عضو شورای انقلاب فرهنگی در دانشگاه تبریز را دادیم. او که مدافع خدادادی نماینده ملکان در مجلس و متجاوز به زهرا نویدپور بود و اکنون برای نجات حکومت از سرنگونی انقلابی با شعارها و وعده های عوامفریبانه مانند "مدیریت تخصصی، گشایش اقتصادی و بهبودی بخشیدن به وضعیت معیشت مردم و مخالفت با طرح نور (مقابل با بی حجابی) و غیره به میدان آمده است. پزشکیان می گوید: "تا الآن در میان مردم انگیزه ای برای شرکت در انتخابات نمی بینم. اگر اصلاح طلبان کماکان همراهی نکنند، پس از مشورت با بزرگان، گزینه انصراف را نیز بررسی خواهم کرد".

این شرح واضح در محاصره مردم بودن حکومت از زبان مهره های اش است که برای تقسیم قدرت دیگر چشم به صندوق رأی و تقلب های انتخاباتی ندارند، بلکه به لات بازی های میدانی هم باندی های خود امید بسته اند. هیچ یک از معرکه گیران و هیچ موجودی، هیچ چیز هیجان آور و جذابی برای نمایش ندارند و بازار گرمی انتخاباتیشان کسادتر و بی رونق تر از انتخابات مجلس شده است و مناظره های تلویزیونی شان سوژه خنده و سرگرمی مردم شده اند.

زاکانی وعده بردن گوشت به درب خانه های مردم می دهد. قالیباف وعده خانه دار شدن به کارگران با درآمد ۵/۷ سال می دهد. پزشکیان وعده اجازه مطالبه گری و رونق اقتصادی به مردم می دهد. جلیلی وعده جبران عقب ماندگی صدها ساله در مدت چند سال را می دهد. پورمحمدی عضو هیئت مرگ کشتار زندانیان سیاسی سال ۶۷ وعده ایجاد دولت قرار با شعار "خرد، شادی و شادمانی" می دهد. قاضی زاده هاشمی نیز وعده حل مشکل بورس در ۳ روز را می دهد. واکنش عمومی مردم نیز به مجموعه این لوگدی ها و عنتربازی ها در فضای واقعی، حکومت را به وحشت انداخته که روز انتخابات توده‌نی محکم تری از مردم خواهد خورد.

بدون تردید مردم در روز انتخابات، حکومت را وحشت زده تر خواهند کرد و رژیم روحیه باخته تر و ضعیف تر خواهد شد. هر مهره فاسد و جنایتکاری که رئیس جمهور شود تفاوتی برای مردم ندارند، مردم در اشکال مختلف راه رهایی از کل بساط توحش و بردگی حاکم را جستجو میکنند. دولت آینده جمهوری اسلامی، دولتی زیر فشارهای بیشتر مردم خواهد بود و با جامعه ای مواجه خواهد بود که گلوئی اش را بیشتر از دولت رئیسی خواهد فشرد.

در سطح بین المللی نیز هم کل حکومت و هم دولت اش زیر فشار بیشتر قرار خواهند گرفت. درست است که دولت های غربی همچنان به مماشاشان با جمهوری اسلامی ادامه خواهند داد و تا بازگشت مجدد مردم و اعتراضات وسیع علیه حکومت به خیابان به مردم ایران و همه مردم آزادیخواه دنیا دهن کجی کرده و قاتلانی مانند حمید نوری که در دادگاه های بین المللی به جرم جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت محکوم شده یا تروریستی مانند اسدالله اسدی را طی معاملاتی کثیف با جمهوری اسلامی آزاد کردند، اما همین دولتهای مماشات گر از تضعیف جمهوری اسلامی در داخل برای منزوی کردن آن در سطح بین المللی و گرفتن امتیازات باز هم بیشتر از رژیم استفاده میکنند. حمید نوری را آزاد کردند، اما دادگاه او تاریخی و دادگاه به محاکمه کشیدن کل حاکمیت بود و اینبار او و تک تک سران حکومت را بخاطر تمامی جنایاتشان به محاکمه خواهیم کشید.

جمهوری اسلامی هر قدر هم با ادامه سیاستها و اقدامات گروگانگیرانه و باجگیری در سایه مماشاتهای دولتهای غربی ادعای اقتدار و قدرتمندی کند، در میدان جنگ واقعی با مردم و انقلاب مردم شکست خواهد خورد و زمان زیادی تا سرنگون اش نخواهد داشت.

حدود دو هفته مانده به برگزاری مخمسه انتخابات برای تعیین ریاست جمهوری، جنگ میان حکومت با مردم و جنگ میان باندهای حکومتی علیه یکدیگر وارد مرحله حساس تری شده است.

تکلیف مردم با حکومت به طور کلی و با انتخابات پیش روی آن به طور اخص از پیش معلوم است. مردم خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند و در مسیر انقلابشان تا رسیدن به هدف، به مبارزاتشان ادامه می دهند و موضوع انتخابات پیش رو به یک گرفتاری و مخمسه برای حکومت تبدیل شده است را نیز به مجالی برای تشدید اعتراضات خود علیه کل بساط رژیم تبدیل کرده اند.

اوضاع جمهوری اسلامی از لحظه انتشار خبر سقوط هلیکوپتر حامل رئیسی قاتل و همراهان اش بغرنج تر و به هم ریخته تر شده است. مرگ رئیسی و جنایتکاران همراه اش باعث خوشحالی عمومی مردم و تجدید همبستگی و تازه شدن روحیه اعتراضی در داخل و خارج علیه حکومت شد و سران اسلامی را دچار وحشت عمیق تر و کابوس مهلک تری کرد و این فضا همچنان ادامه دارد. زنان شجاعانه در برابر سرکوبگری ها و تعرضات مزدوران گشت های مقابل با بی حجابی و مزاحمت های آمرین به معروف مقاومت و مبارزه می کنند، دادخواهان به طور گروهی هر روزه بر مزار جانباختگان انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و دیگر جانبانباختگان راه آزادی حاضر می شوند و اعتراضات کف خیابانها توسط بازنشستگان و مالباختگان بی وقفه ادامه دارد.

حکومت زیر اینچنین سایه سنگین و مرگباری از اعتراضات و نفرت عمومی می خواهد انتخابات اش را برگزار کند! برای جمهوری اسلامی برگزاری انتخابات در چنین فضای پر از اعتراض که کل حاکمیت را نشانه کرده است، گران و کمرشکن خواهد بود و به همین خاطر تمام توان و درنده خوئی اش را برای خالی کردن خیابان ها به کار میرود و به تجمعات اعتراضی حمله می کند.

حمله وحشیانه گارد ویژه به تجمع پر شکوه و هزاران نفره بازنشستگان فرهنگی مقابل ساختمان برنامه و بودجه در روز ۲۳ خرداد ۱۴۰۳ و ضرب و شتم و شکستن دست و پای بازنشستگان سالخورده و بازداشت تعدادی از آنها، تصویری از بکارگیری شقاوت بی حد نسبت به انسان های حق طلب و در عین حال درماندگی حکومت در برابر فشار اعتراضات رو به گسترشی است که رژیم را در آستانه تعیین جانشینی رئیسی جلا دچار جنون کرده است.

بازنشستگان امروز نماد و شکل منسجم و سازمانیافته خیابانی اعتراضات ضد حکومتی هستند که هر آن ممکن است سیل عظیم تظاهرات های خیابانی عموم مردم را با خود همراه کند. جمهوری اسلامی به عبث با سرکوب و وحشیگری هدف مهار و آرام نگه داشتن اوضاع را حداقل در این ایام باقی مانده تا زمان برگزاری انتخابات اش دنبال می کند.

اما برای حکومت منفوری که بخاطر ۴۵ سال جنایت و چپاول در حلقه اعتراضات مردمی محصور است، حکومتی که حتی یک مهره بدون آلودگی به فساد و دزدی و آدمکشی ندارد که به عنوان کاندید انتخاباتی معرفی کند، مهار اعتراضات امکان پذیر نیست. هر یک از کاندیداهای ریاست جمهوری دارای پرونده های قطور کیفری و جزائی در دستگاه قضائی خود جمهوری اسلامی هستند و این خود به فضای نفرت و انزجار از رژیم دامنه داده و اعتراضات را تشدید کرده است.

مردم در ادامه اعتراضات خود و طی همین مدت بعد از مرگ رئیسی، انتخابات را برای حکومت به یک گرفتاری سنگین تر تبدیل کرده اند به طوری که جانینان تأیید صلاحیت شده برای نامزدی انتخابات از قالیباف و جلیلی نو اصولگرا و اصولگرایی تدری گرفته تا پزشکیان مورد حمایت اصلاح طلبان از فضای نفرت عمومی و عدم

۲۷ خرداد: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و اخباری دیگر

تجمع اعتراض حق مسلم ماست



بدنبال تجمعات اعتراضی بزرگ بازنشستگان در تهران و حاشیانه نیروهای انتظامی به صف اعتراض آنها در روز ۲۳ خرداد، بازنشستگان کشوری در این شهر برای ساعت ده صبح روز ۳۰ خرداد فراخوان به تجمع بزرگ اعتراضی در مقابل سازمان برنامه و بودجه را داده اند. فریاد "تجمع اعتراض حق مسلم ماست" و تداوم اعتراضات بخش های مختلف بازنشستگان با فریاد "تهدید، زندان، هرگز اثر ندارد"، پاسخ محکم آنان به سرکوبگریهای حکومت است. از مبارزات بازنشستگان وسیعا حمایت کنیم.

اعتراضات در بخش های مختلف کارگری گسترده است. روز ۲۶ خرداد اعتراضات نیروهای پاکبان منطقه چهار زاهدان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات چند ماهه مزدی و عدم پاسخگویی به خواستههایشان وارد چهارمین روز خود شد. این کارگران سه ماه حقوق و بخشی از آنها ۵ ماه حقوق طلب دارند. پرداخت دستمزدهای معوقه مطالبه فوری آنهاست.

در روز ۲۶ خرداد همچنین متقاضیان "مسکن ملی"، پروژه ی "کوی کوثر"، در اعتراض به عدم اجرای تعهد «بنیاد مسکن (و تحویل ندادن خانه های وعده داده شده مقابل استانداری استان مرکزی تجمع کردند.

حرکت اعتراضی دیگر از سوی کارگران رسمی عملیاتی جنوب در شرکت نفت فلات قاره در لاوان برای پیگیری مطالباتشان در ۲۵ خرداد انجام گرفت. اهم مطالبات: حذف نفوذی ها و مدیران فاسد و نالایق، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن، عدم تشکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، استرداد مازاد مالیات کسر شده، اجرای سریع قانون بودجه ۱۴۰۳ و اصلاح مالیات است. این ها مطالبات فوری و سراسری کارگران رسمی شاغل در نفت است.

حزب کمونیست کارگری ایران- ۲۷ خرداد ۱۴۰۳، ۱۶ ژوئن ۲۰۲۴



امروز ۲۷ خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری مطالباتشان بار دیگر در شهرهایی چون کرمانشاه، اهواز، شوش و تهران دست به تجمعات اعتراضی زده و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را علیه فقر و بی تمانی و فساد و علیه سرکوبگریهای حکومت بلند کردند.

در کرمانشاه بازنشستگان با برهه های همیشگی شان و تاکید بر اتحاد بخش های مختلف بازنشسته، و تاکید بر خواسته های نظیر درمان رایگان و افزایش فوری حقوق ها تجمع کردند. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند: "تجمع، اعتراض، حق مسلم ماست"، "بیکاری، تورم، بلای جان مردم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "حاصل کار دولت، غارت جیب ملت"، "هم مجلس، هم دولت، دروغ میگن به ملت"، "فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون"، و "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد".

در شوش بازنشستگان در گرمای سوزان و طاقت فرسای هوا از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش گرد آمده و مقابل سازمان تامین اجتماعی تجمع داشتند. بازنشستگان شعار میدادند: "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "کشور پر درآمد چه بر سر تو آمد"، "کشور شده صد پاره بخور بخور تو کاره"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، "خیلی دروغ شنیدیم، ما دیگه رای نمیدیم"، "تامینو غارت کردند، ما را بیچاره کردند"، "روسری را رها کن، فکری به حال ما کن"، "فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون"، و "نه گرما، نه سرما، نیست جلودار ما".

در اهواز نیز برهه های با نوشته "شاغل و بازنشسته اتحاد، اتحاد"، "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی، اتحاد، اتحاد"، "درمان رایگان"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست" برجستگی داشت. در این تجمع بازنشستگان شعار میدادند: "کشور را غارت کردند، ما را بیچاره کردند"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "گو مهار تورم، دروغ نگین به مردم"، و "حاصل کار دولت، غارت جیب مردم".

در تهران بازنشستگان تامین اجتماعی با همراهی بازنشستگان فرهنگی در برابر سازمان تامین اجتماعی تجمع داشتند. شعارهای این بازنشستگان در باب تورم، فقر و فساد، حضور برابر زن و مرد، اهمیت حضور در خیابان و... بود. این بازنشستگان شعار میدادند: "زن و مرد برابرند، متحد و دلاورند"، و "روسری را رها کن، فکری به حال ما کن"، "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد".

در این روز بازنشستگان فولاد نیز در اصفهان، تهران و اهواز تجمع داشتند. این بازنشستگان با فریاد "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "تمام پول ملت برای اختلاسه"، "پول نداره این دولت برای بازنشسته" پیگیر مطالباتشان شدند و اعتراض خود را به اختلاسه ها و دزدیها اعلام کردند. در روز گذشته نیز معلمان بازنشسته در همدان برای پیگیری مطالبات خود در برابر دفتر نماینده مجلس اسلامی (حمیدرضا حاجی بابایی) تجمع کردند.

اعتراض بازنشستگان به فقر، بی تمانی، تبعیض و نابرابری، فساد و دزدی ها حاکم و سرکوبگریهای حکومت است.



مبارزه بر سر دستمزدها، جدالی برای لغو کارمزدی یاشار سهندی

بارها تاکید کردیم که تنها یک کالا در میان انبوه کالاها هست که بر خلاف همه کالاها، فروشنده هیچ حقی بر چند و چون ارائه آن ندارد؛ نیروی کار. نیروی کار کارگر کالایی است که اگر بخواهیم با تسامح بگوئیم خریدار آن و نه تصاحب کننده آن، تعیین کننده قیمت آن است. مطلبی در روزنامه حکومتی "دنیای اقتصاد" با عنوان "تراژدی کلاسیک حداقل دستمزد" به خوبی ادعای ما را ثابت میکند که مینویسد: "حداقل دستمزد یکی از موضوعات کلاسیک در علم اقتصاد به شمار می آید. با وجود قدمت این موضوع، مخالفان و موافقان همچنان دفاع پرشوری از مواضع خود به عمل می آورند. مدافعان حداقل دستمزد استدلال می کنند که این سیاست استاندارد زندگی برای فقیرترین و آسیب پذیرترین طبقه جامعه را بالا می برد، از فقر و نابرابری می کاهد و کسب و کارها را مجبور می سازد تا بهینه تر رفتار کنند. از آن سو مخالفان استدلال می کنند که این سیاست کارگران با پرداختی کم را تحت الشعاع قرار می دهد و موقعیت شغلی آنها را به خطر می اندازد. از سوی دیگر ورود بیکاران کم مهارت به بازار کار، بازار را با چالش های تازه ای مواجه می سازد. دشواری در مطالعات تجربی نیز موجب شده است دهها پژوهش نتواند محققان این حوزه را به آرای مشترکی برساند."

در میان "مخالفان و موافقان" این یادداشت هیچ اثری از فروشنده نیروی کار، یعنی کارگر نیست. کارگر فقط مجاز به ارائه توان خود است، اینکه این توان را چگونه بفروشد و چند بفروشد دست او نیست، دست بهره کشان از نیروی کار است. "مخالفان و موافقان" تعیین حداقل دستمزد از روی شکم سیری بر سر تاثیرات آن بر سود سرمایه دار قهرناست که بحث کردند و میکنند و بابت آن جایزه نوبل هم دریافت کرده اند.

نیروی کار به عنوان کالا از ویژه گی خاصی برخوردار است. کالایی است به مانند هر کالای دیگر که به قصد مصرف خریداری میشود، اما تنها کالایی است که وقتی مصرف میشود، هنگامی که به قول مارکس "آتش کار، کار زنده به جان اشیا می افتد و آن ها را از خواب مرگ بیدار میکند"، کار کارگر برای سرمایه دار ارزش اضافه تولید میکند. "... سرمایه دار ما دو هدف را دنبال میکند: در وهله ی نخست، میخواهد یک ارزش مصرفی که ارزش مبادله ای دارد، یعنی جنسی که باید فروخته شود، به بیان دیگر کالا تولید کند. ثانيا او می خواهد کالایی را با ارزش بیشتری از مجموع ارزش های کالاهایی تولید کند که برای تولید آن به کار گرفته شده است، یعنی وسایل تولید و نیروی کاری که با پول عزیزش در بازار آزاد خریده است. هدف او نه تنها تولید ارزش مصرفی بلکه کالا است. نه تنها تولید ارزش مصرفی بلکه ارزش است؛ و نه فقط تولید ارزش بلکه ارزش اضافی نیز هست." (کاپیتال - جلد اول - ترجمه مرتضوی - صفحه ۲۱۸) اما چگونه این اتفاق می افتد؟ آنچه در ظاهر رخ میدهد و به نظر عادلانه می آید کارگر در ازای پولی که توافق شده کار کرده است و کالایی را با کار زنده خود تولید کرده است و سرمایه دار هم صاحب کالایش شده است. این وسط بدون آنکه کسی حسش کند، اتفاق مهمی رخ میدهد. توافق شده که در قبال ساعات معینی کار، کارگر مقدار معینی پول، یعنی دستمزد دریافت کند. اما کارگر بطور مثال در نصف زمان مقرر به اندازه دستمزدش کار کرده، کار لازم؛ و بابت نصف دیگر آن پولی دریافت نمی کند، کار اضافی. کسی سر کسی کلاه نگذاشته است اما "سرمایه دار ما این وضعیت را پیش بینی کرده بود و به همین دلیل هم میخندید" (همان منبع - صفحه ۲۲۵) آنچه به واقع رخ داده است این است که دستمزدی که برای کارگر تعیین شده است در واقع سطح معاشی است که دیگران،

کارشناسان بورژوازی برای کارگر تعیین کرده اند که به واقع در نصف روز کار کردن تامین میگردد.

نمونه بسیار خشن آن در اسفند ماه سال ۱۴۰۲ در میانه بحث و جدلهای مدافعان استثمار کارگر بر سر تعیین "سبد معیشت" در شورای عالی کار بر سر تعیین حداقل دستمزد پیش چشم ما رخ داد. از معدود مواقعی است که آنچه پشت پرده رخ میدهد، عیان گردید. به گزارش رسانه های حکومتی در آزمون "انستیتو تغذیه به نمایندگی از وزارت بهداشت دو سبد ارائه کرد که یکی سبد مقرون به صرفه و یکی سبد مطلوب بود" و نهایتا آنچه تصویب شد و اجرایی گردیده دستمزدی بود که چندین برابر زیر خط فقر است؛ که طی سه ماه گذشته با ادامه موج گرانی ها همان چیزی که در نظر گرفتند نه تنها بی اثر شد، بلکه باز هم کارگر بیشتر به زیر خط فقر رانده شده است. یک سری استانداردهای مخفی در قالب تعیین نیازهای یک کارگر و خانواده او اساسا با این فکر تنظیم میشود که در عین اینکه کارگر توان خود را باز یابد تا دوباره بتواند کار کند، در عین حال "رودار" نشود. تر اساسی این استاندارد سازی این است که "اگر کارگر تامین باشد پس کی کار کند!"

این اما مختص ایران نیست. آسمان برای کارگر، در جهانی که کاملا تحت سلطه کامل نظام سرمایه داری در آمده است، یک رنگ است؛ رنگ سیاهی و تباهی. یادداشت روزنامه حکومتی هم گواهی میدهد اینگونه است. در آن مطلب آمده است: "در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۳، ... فرماندار کالیفرنیا با امضای فرمانی ... اعلام کرد که از ابتدای آوریل سال ۲۰۲۴، حداقل دستمزد در فست فودهای زنجیره ای این ایالت از ۱۶ دلار به ۲۰ دلار در هر ساعت افزایش پیدا می کند. ... و در ماه اکتبر، با امضای فرمان جدیدی، حداقل دستمزد جدید ۲۵ دلار در ساعت را برای کارکنان حوزه مراقبت های بهداشتی این ایالت به تصویب رساند. "بعید میدانیم جناب فرماندار از سر خیرخواهی و نوع دوستی چنین فرمانی امضا کرده باشد بی شک اعتراض معینی در آنجا شکل گرفته است که چنین فرمانی صادر شده است. اما نتیجه؛ اخراج ۱۲۸۰ پیک تحویل غذا از سوی "پیتزا هات" بود. علاوه بر این، "برخی از رستوران های زنجیره ای اعلام کرده اند که برای جبران بخشی از هزینه ها، قیمت هایشان را در کالیفرنیا افزایش خواهند داد. برخی دیگر نیز روش های دیگری چون کاهش ساعات کاری، تعطیلی در زمان های خلوت تر روز یا سرو کردن آیتم هایی که تهیه آن زمان کمتری می برد، روی آورده اند." در یادداشت فوق اشاره نشده است که حجم کار "پیتزا هات" کاهش یافته باشد، و منطقی است که فکر کنیم بقیه کارگران باید جور آن ۱۲۸۰ اخراجی را بکشند. و یا در ساعات شلوغی رستورانهای زنجیری کارگران چگونه جبران مافات میکنند، اما خب مشخص است کاهش ساعات کار یعنی عدم دریافت حقوق کارگر در حالی که تمام مدت در استخدام شرکت معینی است.

اینجا اتفاق جالبی می افتد سرمایه دار دستش باز است که هر گونه خواست رفتار کند، بهر حال صاحب سرمایه است و محترم. در عین حال همیشه گفته اند و حتی



محل کار قتلگاه کارگران - عبدال گلپریان

روز یکشنبه ۲۷ خرداد در پی ریزش معدن شازند در منطقه پل دوآب استان مرکزی چهار نفر زیر آوار ماندند که دو نفر از آنان جان خود را از دست دادند. استاندار اعلام کرده است "حجم ریزش کوه بسیار بالاست و قرار است تجهیزات سنگین برای نجات جان افراد به محل حادثه اعزام شود."

طبق آمارهای وزارت کار جمهوری اسلامی، سالانه ۱۳ هزار حادثه ناشی از کار در کشور اتفاق می افتد که منجر به کشته شدن ۱۲۰۰ کارگر می شود. آمارهای پزشکی قانونی شمار کارگران کشته شده در سال گذشته را حدود ۲۱۰۰ نفر عنوان کرده است. بنا به همین آمار روزانه پنج تا شش نفر جان خود را در محیط های نا امن و غیر استاندارد از دست می دهند.

با احتساب سالانه ۲۱۰۰ کارگر کشته شده، اگر هر خانواده کارگری را ۵ نفر مینا قرار دهیم، یعنی تباه شدن زندگی ده هزار و پانصد انسان، یعنی فروپاشی زندگی همسر و فرزندان آن خانواده کارگری که با گرفته شدن جانش در محل ناامن کار آینده ای تباه کننده تر در انتظار آنان خواهد بود. آنچه هر روز در معادن و دیگر محل های کار جان کارگران را می گیرد، می توان آنرا در زمره قتل های پنهان باندهای مافیای حکومت اسلامی در چاپیدن دسترنج کارگران محسوب کرد.

در کارنامه بیش از چهار دهه از ظهور آیت الله ها و مفتخوران اسلامی و غارت هستی مردم، سهم کارگران و دیگر مزدبگیران جامعه تباه شدن زندگی آنان در قتلگاه هایی بنام محل کار است. کارگرانی که شانس زنده ماندن در این قتل گاههای را داشته باشند، در اثر

فقر، بیکاری، فلاکت و با دستمزدهای زیر خط گرسنگی و دستمزدهای معوقه، تباهی تدریجی را تجربه می کنند. بیاد داشته باشیم سهم کارگران از زندگی در رژیم گذشته نیز، فقر و سرکوب بود.

اما در مقابل چنین فجایی که هر روز زندگی کارگر را به تباهی می کشاند مبارزه ای قدرتمند علیه باندها و مافیای سود و سرمایه در جریان است که هر روز بر قدرت آن برای تحقق یک زندگی انسانی، مرفه و برخوردار از رفاه و سعادت افزوده می شود. اعتصابات قدرتمند، متحد، متشکل و سازمان یافته بخشها و رشته های مختلف کارگری در اعتراض به این تباهی آن پاسخ کوبنده ای است که همگام با دیگر حرکت های اعتراضی مردم در سراسر کشور می تواند این بساط جهنمی را یکبار برای همیشه برچیند.

مندرج در ژورنال شماره ۷۵۹

باشد. "وقتی که تعریف سبب معیشت و تعیین دستمزد متناسب با آن به عهده فروشنده یعنی کارگر نباشد ثمری ندارد جز اینکه با وجود افزایش دستمزد چنان فشار به خانواده کارگری افزایش می یابد که نوجوان این خانواده ترک تحصیل میکند و تن به کار میدهد؛ کار کودکان. درکنار این سرمایه داری راههای جبران افزایش دستمزد را به خوبی بلد است، که در گزارش فوق بخشی از آن انعکاس یافته است.

این حق کارگر است به عنوان فروشنده یک کالای معین که سبب سود آوری سرمایه میگردد خود چند و چون قیمت و ارائه دادن آنرا تعیین کند. و این برای نظامی که اساسا بر کار مزدی شکل یافته و قوام پیدا کرده سخت ناگوار است که فروشنده نیروی کار، بخواهد تصمیم گیر اصلی در فروش آن باشد. برای همین هر جا که لازم دانستند خون دهها و صدها هزار نفر را ریختن، شکنجه گاهها را پر رونق ساختند تا تصمیم گیری اصلی همچنان تصاحب کننده نیروی کار، یعنی سرمایه دار باشد.

در تمام دورانی که سرمایه داری شکل گرفته همزمان مبارزات کارگران هم برای بهبود وضعیت معیشت خود در شکل های گوناگون رخ داده است. و آن پدیده ای که به اسم جنبش کارگری میشناسیم منشا آن به اینجا برمیگردد به مبارزه برای زندگی بهتر از سوی فروشندگان نیروی کار. جدالی که نهایتا هدفش لغو کار مزدی است. اما تا پیش از آن یک لحظه فعالین و پیشروان طبقه کارگر از مبارزه برای بهبود و افزایش دستمزدها دست نکشیده اند و نخواهند کشید. در ایران با وجود سرکوب بی نهایت خشن، مشخصا مبارزه بر سر تعیین چند و چون خط رفاه است نه تعیین حداقلی دستمزد. و این تنها به این خاطر است که با وجود سرکوب و تحمیل دستمزدی چندین برابر پایین تر از خط فقر، در پروسه مبارزه بر سر تعیین دستمزد، سطح آگاهی کارگران افزایش یافته است؛ و این چیزی است که مخالفان و موافقان تعیین دستمزد را سخت نگران میکند.

مبارزه بر سر دستمزدها، جدالی برای ...

از صفحه ۷

خود کارفرما به هنگام منت گذاشتن سر کارگر مدعی میشود: میتوانست پولش را ببرد بیندازد تو بازار، جنس را این دست و آن دست کند و کلی سود به جیب بزنی! اما از آنجا که مایل بوده نوبی بر سر سفره کارگران گذاشته باشد، مخاطره کرده و پولش را در صنعت بکار انداخته است! و چنانچه سود سرمایه دار تهدید شود با اخراج کارگران و چهار قفله کردن درب کارگاه یا کارخانه به قول منصور حکمت دست به اعتصاب میزند! و این تنها اعتصابی که از سوی دستگاه حاکمه به رسمیت شناخته میشود و کارشناسان و مخالفان و موافقان دستمزد تو سر هم میزنند تا راه چاره ای برای تامین سود ایشان پیدا کنند. مهمترین و اصلی ترین راه موثر، ارزان سازی کارگر به ضرب نیروی انتظامی و امنیتی به اضافه اساتید اقتصاد است.

سر خودمان را درد نیاوریم. در یادداشت روزنامه فوق خاطر نشان شده: "توبلیستها" بر اساس مطالعاتی در سال ۱۹۹۲ به این نتیجه رسیدند: "با افزایش حداقل دستمزد نه تنها بیکاری بیشتر نشد، بلکه حتی اشتغال افزایش یافت." اما؛ "از سوی دیگر افزایش اشتغال در پی افزایش حداقل دستمزد لزوما اتفاق خوبی نیست؛ ... برای مثال، دو اقتصاددان ... دریافته اند که افزایش حداقل دستمزد منجر به کاهش ثبت نام نوجوانان در دبیرستانها و افزایش نرخ بیکاری میان آنان می شود و افزایش حداقل دستمزد انگیزه ترک تحصیل را در میان نوجوانان با مهارت زیاد می کند." مطالعات دیگر در یادداشت فوق در تایید نظرات مخالفان و موافقان تعیین دستمزد، در سالهای مختلف از سیاتل و کالیفرنیا امریکا تا مجارستان ردیف شده تا نهایتا نویسنده یادداشت گفته باشد: "آنچه گفته شد، نشان می دهد واکنش به افزایش حداقل دستمزد می تواند اشکال متفاوتی به خود بگیرد و پیچیده تر از تعدیل نیروی صرف خود را نشان دهد؛ اما افزایش شدید دستمزدها در کالیفرنیا موجب شده است واکنش به این موضوع به شیوه کلاسیک آن صورت بگیرد و با تعدیل نیرو همراه

جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی یک عرصه مهم مبارزه برای پیشروی انقلاب سخنرانی شهلا دانشفر در کنفرانس به مناسبت بیست و نهمین روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی



گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد به شعارهای تجمعات اعتراضی مردمی از جمله از سوی بازنشستگان تبدیل شده است. همین هفته گذشته در تهران بازنشستگان شعار دادند: زندان، تهدید دیگر اثر ندارد. در اهواز فریاد نه تهدید، نه زندان، نه اعدام نیست جلو دار ما به شعار هفتگی آنها تبدیل شده است. امروز بازنشستگان با شعار تجمع

اعتصاب حق مسلم ماست اعتراض خود را به امنیتی کردن مبارزات بلند کردند. بعلاوه اینکه ما در همین مدت شاهد شورش در زندانها علیه اعدامها بوده ایم.

این چنین است که ما شاهد یک جنبش قدرتمند برای آزادی زندانیان سیاسی علیه زندان، شکنجه و اعدام هستیم. مردم ایستاده اند و با اشکال مختلف مبارزاتی خود تداوم انقلاب را فریاد میزنند. این شرایط فوکوس من بر د و نکته است یکی اینکه امروز زندانیان سیاسی در ایران نیاز به وسیعترین حمایت های بین المللی دارند. در برابر ابعاد جنایتکارانه سرکوبگریهای حکومت و وضعیت اضطراری زندانها صدای رسای آنها در سطح جهان باشیم. صدای سپیده قلیان، راحله راحمی پور از چهره های برجسته جنبش دادخواهی، نسرين جوادی و ناهید خداجو کارگر بازنشسته، رضا اقدسی، رسول بدیقی، رضا شهابی، داود رضوی، حسن سعیدی و عباس دریس که خطر اعدام بالای سرش است و همه زندانیان سیاسی باشیم. و بدینم که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدامها یک عرصه مهم مبارزه برای تداوم قدرتمند تر انقلاب است. دوم اینکه با کارزار جهانی به جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه سرکوبگری های جمهوری اسلامی قدرت ببخشیم.

و بالاخره اینکه جا دارد من هم همین جا زد و بند کثیف جمهوری اسلامی و دولت سوئد را در رابطه با استرداد حمید نوری این مهره کثیف و جنایتکار جمهوری اسلامی اعلام کنم. دادگاه حمید نوری و محکومیت او بجرم جنایت علیه بشریت یک موفقیت بزرگ بود. دادگاه او دادگاه محاکمه جمهوری اسلامی بود. همه این جانان را در تهران به محاکمه خواهیم کشید. دوستان گفتند این مماشانها باید با کنش مقابل ما پاسخ بگیرد. من هم تایید میکنم و ما همچون کارزار جهانی علیه اعدای باید کارزاری جهانی علیه زندان و برای آزادی زندانیان سیاسی شکل دهیم و امیدوارم این کنفرانس سرآغازی برای آن باشد. پلاتفرم ما با یکوت جهانی جمهوری اسلامی این رژیم آپارتاید جنسی و اعدام و زندان است. پلاتفرم ما محاکمه تک تک سران حکومت بخاطر جنایاتشان است. کنار هم بایستیم و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی متحد شویم. به امید آزادی تمامی زندانیان سیاسی و جامعه ای که در آن زندان و زندانی سیاسی نداشته باشیم. به امید پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی.

با این کنفرانس به استقبال بیست و نهمین سالگرد این روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی میرویم. چهاردهمین سالگرد این روز مهم اعتراضی است. تیریک میگویم به کمیته آزادی زندانیان سیاسی که مبتکر این روز و چنین کنفرانسی بود. کمیته آزادی زندانیان سیاسی امسال این روز را به جایگاه "مبارزات زنان در جامعه"، حمایت از خانواده های دادخواه، علیه احکام اعدام اختصاص داده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از این فراخوان پشتیبانی میکند.

ما امسال در شرایطی بیست و نهمین سالگرد این روز را گرامی میداریم که دو سال انقلاب زیبایی زن زندگی آزادی که آوازه اش جهانی شد سر بلند کرد و امروز در فضای انقلابی جامعه جمهوری اسلامی ماشین سرکوب و جنایاتش را فاعلتر کرده تا دستاوردهای انقلاب را پس بگیرد و کل جامعه را عقب زند و این سرکوبگریها حمله به انقلاب زن زندگی آزادی است، از همین رو روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران امسال جایگاه سیاسی برجسته تری پیدا کرده است. سرکوبگریهای حکومت ابعاد جنایتکارانه تری پیدا کرده است. در این شرایط مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی یک عرصه مهم مبارزه برای رفع موانع پیشروی انقلاب است.

ما امروز با یک جنبش قدرتمند برای آزادی زندانیان سیاسی روبرو هستیم. در خارج کشور باید صدای رسای این جنبش و زندانیان سیاسی باشیم.

طی این دو سال هزاران نفر بازداشت شده اند، در درون زندان زندانیان مورد آزار و شکنجه و تجاوز جنسی قرار گرفته اند. و فشار بر روی زندانیان ابعاد جنایتکارانه تری بخود گرفته است. حکومت با پرونده سازی های کاذب و گرفتن اعترافات اجباری زیر شکنجه برای بازداشت شدگان پرونده های سنگین تشکیل داده و با احکام محاربه و مفسد فی العرض و غیره بساط جوخه های دارش را بر پا کرده است. و اعدامها نیز گسترش یافته است.

بعلاوه در برابر فضای پر تلاطم اعتراضی در میان کارگران و کل جامعه هم اکنون ما شاهد بیشترین فشارها بر معلمان، فعالین کارگری، دانشجویان، خانواده های دادخواه و تشکلهای مردمی هستیم. در این اوضاع و احوال با تشدید سرکوبگریها وضعیت در ایران اضطراری است.

در مقابل همه این سرکوبگریها جامعه ایستاده و انقلاب به اعماق ریشه دوانده است. بیحجابی تصویر غالب بر خیابانهاست و زنان با با شجاعت تمام در حلقه حمایت مردمی سنگر فتح شده حجاب را پاس میدارند. جنبش علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی با قدرت در مقابل سرکوبگری های حکومت ایستاده است و راه تداوم انقلاب را همواره میکند. زندانها و در میان آن بند زنان زندان اوین یک سنگر مهم اعتراض علیه اعدام و سرکوب است. از جمله ما شاهد بلند شدن فریاد زن زندگی آزادی از سوی این زندانیان بودیم، هنگامیکه مقامات قضایی جنایتکار حکومت به این زندان رفتند و در آنجا مورد کيفرخواست زندانیان بخاطر اعدام معترضین انقلاب محسن شکاری و مجید رضا رهنورد و دیگر اعدامها قرار گرفتند. این زندانیان همچنین بساط آپارتاید جنسی حاکم را مورد کيفرخواست قرار دادند و الان هم از سوی آنها کمپینی علیه تجاوز جنسی به زنان در زندانها به راه افتاده است. همچنین ما شاهد کيفرخواست ما همچنین سه شبه های اعتراض علیه اعدام از سوی زندانیان سیاسی را داریم که استارت آن در نهم بهمن ماه از زندان قرلحصار زده شد و دامنه اش به بندهایی از زندان اوین و نیز زندان مرکزی کرج، خرم آباد، مشهد، سقز، خوی و نقره کشیده شد.

در کف خیابان هم شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزادی باید





کارگران در هفته ای که گذشت

تنظیم کننده: کارگر کمونیست

۲۸ خرداد

- تعدادی از فعالان مدنی، صنفی، زندانیان سیاسی سابق، خانواده های زندانیان سیاسی و خانواده های دادخواه در ایران از بیانیه نهاد دادخواهان بمناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی حمایت و پشتیبانی کردند. امضاها:

پوران ناظمی، فرنگیس مظلوم، رضا حضرتی، سارا سیاهپور، کامبیز نوروز زاده، یاشار تبریزی، مجید صفری، مریم عزیززاده، رضوان مقدم، فاطمه ملکی، بهزاد همایونی خلیل خلیلی دارستانی، اصغرامیرزادگان، فرشته جهانگیری، غلامرضا غلامی کندازی، محمدعلی زحمتکش، گیتی پورفاضل، فرشته اسانلو، فاطمه اسانلو، صغرا اسانلو، سارا خانعلی زاده، اشرف زیارتی

۲۷ خرداد

- بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری مطالباتشان بار دیگر در شهرهایی چون کرمانشاه، اهواز، شوش و تهران دست به تجمعات اعتراض زده و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را علیه فقر و بی‌تامینی و فساد و علیه سرکوبگریهای حکومت بلند کردند.

- بازنشستگان فولاد در اصفهان، تهران و اهواز تجمع داشتند. این بازنشستگان با فریاد "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه" پیگیر مطالباتشان شدند و اعتراض خود را به اختلاسها و دزدیها اعلام کردند.

۲۶ خرداد

- اعتصابات نیروهای پاکبان منطقه چهار زاهدان در اعتراض به عدم پرداخت معوقات چند ماهه حقوق و عدم پاسخگویی مسئولان وارد چهارمین روز خود شد. این کارگران از اول سال جاری و بخشی از آنان از بهمن و اسفند سال گذشته طلب مزدی دارند. خواست فوری این کارگران پرداخت دستمزدهای معوقه است.

- معلمان بازنشسته در همدان در اعتراض به اجرا نشدن کامل رتبه بندی و همسان سازی و پرداخت نشدن بستانکاری‌هایشان. در برابر دفتر نماینده مجلس اسلامی (حمیدرضا حاجی بابایی) تجمع کردند. اعتراض بازنشستگان به فقر، بی‌تامینی، تبعیض و نابرابری، فساد و دزدی‌ها حاکم و سرکوبگریهای حکومت است.

- متقاضیان مسکن ملی واقع در کوی کوثر مقابل استانداری استان مرکزی در اراک دست به تجمع زدند. این چندمین بار است که متقاضیان «مسکن ملی» در مقابل استانداری مرکزی و اداره کل راه و شهرسازی استان مرکزی در اعتراض به بالا کشیده شدن اندوخته‌هایشان تحت عنوان طرح مسکن سازی و تعویق تحویل مسکن به متقاضیان انجا میگردد. پروژه مسکن سازی کوثر در اراک در سال ۹۸ آغاز شد و قرار بوده در مدت دو سال با ۱۰۰ میلیون پولهای مردمی و ۱۵۰ میلیون وام ساخته شود، اما پس از گذشت همه این سالها تنها ۶۵ درصد پیشرفت داشته است. این در حالی است که مبلغ وام به ۵۵۰ میلیون افزایش یافته و از مردم به طور متوسط ۸۵۰ میلیون پول طلب میکنند و مردم به این اخاذی و چپاولگری اعتراض دارند.

۲۵ خرداد

- کارگران عملیاتی های معترض جنوب در شرکت نفت فلات قاره در لاوان برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. اهم مطالبات: حذف نفوذی‌ها و مدیران فاسد و نالایق، حذف سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت معوقات آن، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، استرداد مازاد مالیات کسر شده، اجرای سریع قانون بودجه ۴۰۳ و اصلاح مالیات، اعمال هرچه سریعتر ابریزالها. این ها مطالبات فوری و سراسری همکاران رسمی شاغل در نفت

است.

- چند کارگر به همراه خانواده خود در اعتراض به گرانی مواد غذایی و قیمت بالای رهن و اجاره مسکن و تورم افسارگسیخته با در دست داشتن پلاکاردهایی در یکی از خیابانهای شهر زابل دست به تجمع زدند.

۲۴ خرداد

- اعتصاب کارگران شهرداری سربندر در اعتراض به سه ماه عدم پرداخت حقوق و حق بیمه‌ی خود وارد پنجمین روز شد و کارگران از جمع آوری زباله‌ها در سطح شهر خودداری کرده و در مقابل ساختمان شهرداری و شورای شهر تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند.

- کارگران شهرداری منطقه ۳ ناحیه ۳ زاهدان در اعتراض به عدم پرداخت چندماهه مزد و حق بیمه شان دست به اعتصاب زده و در مقابل سازمان خدمات شهری ناحیه ۳ تجمع کردند. این کارگران از اول سال جاری مزد و حق بیمه خود را طلب دارند. کارفرما قول پرداخت طلب کارگران را برای روز ۲۳ خرداد داده بود اما بدلیل خلف وعده داده شده کارگران دست از کار کشیدند.

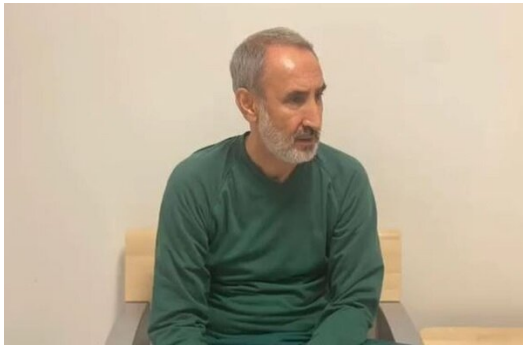
- قراز بازداشت امان جلالی نژاد، معلم اهل اهواز، پس از گذشت بیش از ۶۵ روز از زمان بازداشت در زندان شیبان، به مدت یک ماه دیگر تمدید شد. وی روز دوشنبه بیست و یکم خردادماه، در شعبه ۱۳ دادرسی انقلاب اهواز تحت عنوان تبلیغ علیه نظام تعقیب اتهام شد.

۲۳ خرداد

- سومین روز تجمع اعتراضی بازنشستگان فرهنگی ۱۴۰۰، صدها بازنشسته در اعتراض به فقر و فساد و بی‌تامینی و بی‌پاسخ ماندن مطالباتشان در مقابل سازمان برنامه و بودجه در تهران تجمع و اعتراض کردند. این تجمع مورد حمله نیروهای انتظامی قرار گرفت و تعدادی بازداشت شدند. اما بعد زیر فشار اعتراض بازنشستگان دستگیر شدگان آزاد شدند.

۲۲ خرداد

- جمعیت بزرگی از بازنشستگان در تهران در اعتراض به فقر و فساد و بی‌تامینی و نیز بخاطر عدم اجرای کامل رتبه بندی و پاداش پایان خدمت برای پیگیری مطالبات خود مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع کردند. بازنشستگان ۱۴۰۰ نیز در ادامه تجمع روز گذشته خود در تجمع امروز نیز شرکت داشتند. بازنشستگان شعار



آزادی و استرداد حمید نوری محکوم است!

آزادی حمید نوری بوسیله دولت سوئد در برابر آزادی دو شهروند سوئدی تسلیم شدن این دولت به گروگان گیری و باج خواهی جمهوری اسلامی است.

در یک اقدام فضاحت بار، دو شهروند سوئدی که بدون هیچ جرمی بوسیله جمهوری اسلامی گروگان گرفته شده بودند با یک زندانی جنایتکار که طی بیش از نود جلسه محاکمه علنی و نزدیک به صد شاکتی و شاهدی، به جرم جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت و مشارکت مستقیم در قتل عام زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ محکوم شده بود، مبادله گردید! این شرم آور است!

آزادی حمید نوری بعد از تحمل ۴ و سال و نیم زندان و استرداد به ایران، بازگرداندن یک قاتل به محل ارتکاب جرم است. این اقدام دولت سوئد هم از نظر قضائی و هم از لحاظ سیاسی عملی به غایت ارتجاعی و ضد مردمی است که باید از جانب هر نیروی آزادیخواهی قاطعانه محکوم شود.

آزادی شهروندان سوئدی و همه کسانی که بوسیله جمهوری اسلامی به گروگان گرفته شده اند از جمله آزادی احمدرضا جلالی باید یک امر همه آزادیخواهان باشد اما تسلیم شدن به سیاست گروگانگیری جمهوری اسلامی راه حل نیست بلکه ترغیب ترویرستهای حاکم بر ایران بر ادامه این سیاست ضد انسانی است. آزادی و استرداد تبادل زندانیان و یا اسرا بین دو دولت در حال جنگ نیست، بلکه تمکین به ترویرسم اسلامی است. حمید نوری اسیر جنگی نبود، در یک داگاه علنی و شفاف و منصفانه به جرم جنایت علیه مردم ایران محکوم شده بود و آزادی و بازگشت او به ایران، مانند آزادی اسدالله اسدی از جانب دولت بلژیک، بیانگر سازش این دولتها با یکی از جنایتکارترین و رسوا ترین حکومتهای عصر حاضر است.

این زد و بند اما ذره‌ای از تأثیر پیروزمندانه افشا جنایات بیشماری اسلامی در محاکمات حمید نوری نمی‌کاهد. جنبش عظیم دادخواهی با پیروزی و قدرت، با مستندات غیرقابل انکار، با بیدار کردن وجدان بشریت متمدن در سطح بین‌المللی،

توانست کشتار خونین و جنایات دهه ۶۰ و هولوکاست اسلامی را رسماً در دادگاهی حقیقی و معتبر و با صلاحیت جهانی، ثابت کند!

این یک دستاورد مهم مردم ایران است و قابل بازپس گرفتن نیست. باید تلاش کرد که همه سران و مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی در دادگاههای بین‌المللی محاکمه و به جرم جنایت علیه بشریت محکوم شوند. آزادی حمید نوری ها و اسدالله اسدی ها نه تنها نباید ما را در پیگیری تعقیب و محاکمه جانان حاکم بر ایران سست و مردد کند بلکه برعکس باید با عزم و اراده و تلاش دو چندان مبارزه برای تعقیب و محاکمه همه سران و مقامات جمهوری اسلامی و بایکوت جهانی این رژیم جانی را پی گرفت. این نبردی است علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و علیه هر نوع سازشی با این رژیم!

ما همه فعالین جنبش دادخواهی و دست اندرکاران انقلاب زن زندگی آزادی را به مبارزه متحد برای محاکمه سران و مقامات جمهوری اسلامی و بایکوت جهانی این رژیم فوق ارتجاعی و ضد انسانی فرا میخوانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ خرداد ۱۴۰۳، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۴

از صفحه ۱۰

کارگران در هفته ای که گذشت...

میدادند: "قدرت ما جمع ماست، رتبه بندی حق ماست"، "فقط دروغ شنیدیم، عدالتی ندیدیم"، "فکر نکنید یه روزه، قرار ما هر روزه"، و "با اهل قلم هرکه درافتاد ورافتاد"، "خیزش بازنشسته تیشه به ریشه میزند".

- بازنشستگان کشوری در کرمانشاه همراه با بازنشستگان تامین اجتماعی، مخابرات و علوم پزشکی در اعتراض به فقر، تورم و گرانی، دستمزدهای ناچیز، فساد و غارت، و تبعیض و نابرابری و جنگ حکومت علیه زنان برای عقب زدن کل جامعه، در برابر صندوق بازنشستگان استان تجمع کردند و شعارهای اعتراضی خود را سر دادند.

- کارگران شرکت کربنات سدیم کاوه فیروز آباد در اعتراض به سطح نازل دریافتی های خود برای سومین روز دست به اعتصاب و تجمع زدند.

- کارگران اخراجی پیمانکاری پتروشیمی ارغوان گستر در ایلام در اعتراض به اخراج ها تجمع کردند.

- کارگران پیمانکاری شرکت فراب در پتروشیمی اصفهان در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدها و مشکلات معیشتی خود دسته به اعتصاب و تجمع زدند.

- مریم زلکی از بازداشت شدگان تجمع متحدانه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ بازنشستگان کشوری، فرهنگیان و تامین اجتماعی اهواز با قرار وثیقه و بطور موقت آزاد شد. مریم زلکی باید بدون قید و شرط آزاد شود و پرونده امنیتی اش بسته شود.

سیروس فتحی فعال کارگری تحت فشار و شکنجه ی وزارت اطلاعات رشت

سیروس فتحی تحت فشار و شکنجه وزارت اطلاعات رشت است. در صفحه "شریفه محمدی را آزاد کنید" ضمن گزارش این خبر آمده است: "وزارت اطلاعات خانواده را تهدید کرده تا در مورد وضعیت سیروس فتحی و همسرش شریفه محمدی اطلاع رسانی نکنند. وی هم اکنون تحت بازجویی وزارت اطلاعات رشت است. به نقل از یک منبع آگاه فرزند آنها آیدین فتحی از روزی که پدرش را جلوی چشمش با خشونت بازداشت کردند دچار وحشت و حمله عصبی شده است .

سیروس فتحی که در حال پیگیری آزادی همسرش شریفه محمدی بود ۲۲ خرداد در منزل خود توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. سیروس فتحی، همسر شریفه محمدی فعال کارگری است که از ۱۴ آذرماه ۱۴۰۲ در بازداشت موقت به سر می برد. سیروس فتحی در این مدت، پیگیر وضعیت همسر خود بوده است و بارها با تهدید ماموران امنیتی و پرونده سازی قضایی مواجه شده بود. او اکنون در بازداشت موقت به سر میبرد. سیروس فتحی و شریفه محمدی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.



کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
شریفه محمدی
سیروس فتحی

فراخوان جهانی علیه مضحکه انتخاباتی - حسن صالحی



در حالیکه بخش‌های مختلف حکومت و از جمله "اصلاح‌طلبان" دارند برای مضحکه انتخاباتی تعیین رئیس جمهوری بازارگرمی می‌کنند، تعداد زیادی از گروه‌ها و نهادها و سازمان‌های مختلف با اعلام یک فراخوانی جهانی مردم را به اعتراض علیه این نمایش حکومتی دعوت کرده‌اند.

حدود پنجاه گروه، کمیته، کمپین، سازمان و حزب گفته‌اند که هدفشان این است در صافی واحد مضحکه انتخاباتی رژیم را افشا و رسوا کنند و پیام و خواست مردم ایران را به گوش جهانیان برسانند.

موضوع حائز اهمیت در این فراخوان همگرایی گروه‌های مختلف و اعلام تشکیل یک صف واحد در مقابل سیرک انتخاباتی رژیم است. به هر میزان این همگرایی‌ها بین فعالین انقلاب زن زندگی آزادی بیشتر در جامعه تکثیر شود جمهوری اسلامی خود را در موقعیت شکننده‌تری خواهد دید. در حال حاضر حکومت سعی می‌کند با قراردادن فردی مثل پزشک‌یکان از جبهه اصلاح‌طلبان حکومتی در لیست کاندیدها، مردم را به پای صندوق رأی بکشاند و به قول خودشان سرنگونی طلبی را حاشیه‌ای کنند.

غافل از اینکه مردم سال‌هاست که از این نمایشات حکومتی و انتخاب میان بد و بدتر عبور کرده‌اند و برای سرنگونی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته آن به میدان آمده‌اند.

اهمیت فراخوان نزدیک به پنجاه نهاد و گروه و سازمان این است که ما می‌توانیم در یک اقدام مشترک و واحد این تقلاب‌های رژیم را نه فقط خنثی کنیم؛ بلکه به جهانیان نیز نشان دهیم که ما به کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی راضی نمی‌شویم و با انقلاب خود دستیابی به آزادی و رهایی را متحقق خواهیم کرد.

در هر جا که هستید به فراخوان اعتراض به سیرک انتخاباتی رژیم پاسخ مثبت دهید و بخصوص در خارج کشور مراکز به اصطلاح رأی‌گیری رژیم را به صحنه اعتراض متحدانه علیه این حکومت مستبد و جنایتکار تبدیل کنید.

۴۸ گروه، کمیته، کمپین، سازمان و حزب فراخوان دهنده ب ه ترتیب حروف الفبا:

- اتحاد برای آزادی، واشنگتن دی سی، ایالات متحده آمریکا

- اتحادیه سوسیال دموکرات ایران (اتحادیه سدا)

- اتحادیه نهادهای ایرانی استرالیا

- البرز زن زندگی آزادی، پاریس، فرانسه

- انسان آزاد، آلمان

- اوتو ایران، اتحاد برای پایان دادن به اعدام هادر ایران

- ائتلاف برای دموکراسی و آزادی، هامبورگ، آلمان

- ایران آزاد، سوئیس

- ایران پروتست، مالمو، لوند، هلسینگبوری

- ایرانیان جمهوری خواه استرالیا (یار)

- بنیاد مهسا، دانمارک

- جمهوری خواهان انقلاب مهسا (جام)

- جمهوری خواهان سکولار دموکرات، هامبورگ، آلمان

- حزب چپ ایران (غرب آلمان)

- اتحاد جوانان ایران

- خانه آزادی ترکمن

- دادخواهان ایران

- دادخواهان خاوران

- زن زندگی آزادی، گراتز، اتریش

- زن زندگی آزادی، گوتنبرگ، سوئد

- زن زندگی آزادی، ووپرتال، آلمان

- سازمان زنان کردستان ایران

- سازمان سراسری حق زن، سوئد

- شبکه ایرانیان نروژ

- شش رنگ، شبکه لزبین و ترنسجندهای ایرانی

- صدای او باشید، کلن، آلمان

- کادر درمان برای حقوق بشر و دموکراسی (برلین مد)

- کارزار جهانی نه به اعدام در ایران

- کانون حامیان عدالت

- کانون خاوران

- کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Free Them Now

- کمیته آزادی زندانیان سیاسی در ایران

- کمیته بین المللی علیه اعدام

- کمیته همبستگی با انقلاب ایران، فرانکفورت، ماینز و ویسبادن

- کمیته نروژی - ایرانی حمایت از مبارزات مردم ایران

- کمپین نه به اعدام آری به حیات آزاد

- گروه حامیان انقلاب زن زندگی آزادی، واشنگتن دی سی، آمریکا

- گروه حقوق بشری بلوچستان

- گروه همبستگی با ایرانیان، ونکوور، کانادا

- مسیر اتحاد برای ایران

- (API) MCSD، آمریکا

- نسل برانداز، هامبورگ، آلمان

- نیکا، شبکه ایرانیان خواهان آزادی و دموکراسی

- نهاد زنان کردستان علیه تبعیض

- نهاد نه به تابو نه به خشونت علیه زنان

- همایش ایرانیان هامبورگ

- همه برای ایران، سوئیس

- هنرمندان معترض دانمارک، آرهوس، دانمارک

مندرج در ژورنال شماره ۷۵۷



بازنشستگان کشوری، فرهنگیان و تامین اجتماعی اهواز با قرار وثیقه و بطور موقت آزاد شد. در این تجمع بازنشستگان بخشهای مختلف همراه با خانواده هایشان در مقابل درب اداره کل سازمان تامین اجتماعی در اهواز تجمع و اعتراض کردند و برخواستهایشان تاکید کردند. مریم زلکی باید بدون قید و شرط آزاد شود و پرونده امنیتی اش بسته شود.

هوشنگ آل محمدی، ساکن ایذه علیرغم گذشت ۱۵ روز از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در بازداشتگاه اطلاعات سپاه اهواز بسر می برد. او ۶۳ سال دارد و در تاریخ ۸ خرداد سال جاری، توسط ماموران اطلاعات سپاه بدون ارائه حکم قضایی در منزل شخصی اش در ایذه بازداشت شد و سپس طی یک تماس تلفنی کوتاه با خانواده از انتقالش به بازداشتگاه نهاد مذکور در اهواز خبر داد.

دوشنبه ۲۱ خرداد

۲۱ خرداد بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه های گذشته در اهواز دست به تجمع زدند و پیگیر مطالباتشان شدند.

تجمع جمعی از جوانان جویای کارهفت تپه نسبت به بیکاری وعده های توخالی مسئولان مقابل مجتمع کشت و صنعت هفت تپه ۴۱ روزه شد.

یکشنبه ۲۰ خرداد

بازنشستگان تامین اجتماعی در همراهی با بخش های دیگر بازنشستگان به روال یکشنبه های هر هفته در اعتراض به فقر و بی تامينی در شهرهای اهواز و شوش تجمع و اعتراض کردند. در شوش بازنشستگان از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش در گرمای بالای پنجاه درجه تجمع کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را بلند کردند. بازنشستگان شعار میدادند: "کشور شده چند پاره بخور بخور تو کاره"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "زیر بار تورم، شکسته پشت مردم"، و "تنگ ما ننگ ما مخبر الدنگ ما". راهپیمایی و تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شوش در اعتراض به فقر، تورم و گرانی، دستمزدهای ناچیز و نامساعد، به فساد و غارت، به تبعیض و نابرابری ها بود.

کارگران بازنشسته صنعت فولاد در اهواز در اعتراض به سطح نازل حقوقها و اجرا نشدن همسان سازی که می تواند بهبودی در دریافتی های آنها ایجاد کند و نیز عدم پرداخت مطالبات معوقه و خدمات درمانی ناکافی مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند. درمان رایگان یک خواست سراسری بازنشستگان است.

۲۵ خرداد ۱۴۰۳، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۴

از خوزستان خبر میرسد؟

۱۹ تا ۲۵ خرداد ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

- جمعه ۲۵ خرداد

روح الله خسروی زندانی سیاسی، علیرغم گذشت بیش از ۹ ماه از زمان بازداشت، کماکان در زندان شبیان اهواز به صورت بلاتکلیف در بند است. او در اول شهریور ۱۴۰۲ توسط نیروهای سرکوبگر امنیتی در ایذه دستگیر شد و تاکنون از حق ملاقات و دسترسی به وکیل منتخب محروم بوده است. خسروی پیش از دستگیری، از مادرش سرپرستی میکرد و تداوم بازداشت او، تاثیر مخربی بر وضعیت بیماری مادرش داشته است.

پنجشنبه ۲۴ خرداد

اعتصاب کارگران شهرداری سربندر در اعتراض به سه ماه عدم پرداخت حقوق و حق بیمه خود وارد پنجمین روز شده و کارگران اعتصابی از جمع آوری زباله ها در سطح شهر خودداری کرده و با تجمع در مقابل ساختمان شهرداری و شورای شهر پیگیر مطالباتشان شدند.

قرز بازداشت امان جلالی نژاد، معلم اهل اهواز، پس از گذشت بیش از ۶۵ روز از زمان بازداشت در زندان شبیان، به مدت یک ماه دیگر تمدید شد. وی روز دوشنبه بیست و یکم خردادماه، در شعبه ۱۳ دادسرای انقلاب اهواز تحت عنوان تبلیغ علیه نظام تفهیم اتهام شد.

چهارشنبه ۲۳ خرداد

به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران زندانی سیاسی، نجات انور حمیدی، در اسفند ۹۷ برای اجرای حکم ۱۵ سال حبس به زندان سپیدار اهواز منتقل شد. وی در طول دوران حبس حتی یک روز مرخصی استعلاجی هم نداشته است. نجات انور حمیدی از اختلال در عملکرد تیروئید، فشار خون، چربی خون و سردرد مزمن رنج می برد. او همچنین از ناحیه هر دو چشم دچار آب مروارید است و به دلیل عدم رسیدگی دچار خونریزی هم شده است. شکنجه دارویی یعنی عدم دسترسی زندانیان به خدمات پزشکی از شکنجه های سیستماتیک حکومت برای آزار و اذیت زندانیان است که با هدف مرعوب ساختن زندانیان انجام می شود.

سه شنبه ۲۲ خرداد

هوای ۹ شهر خوزستان در وضعیت ناسالم قرار گرفت. طبق اعلام سامانه پایش کیفی هوای کشور، براساس اندازه گیری ذرات معلق با اندازه ۲/۵ میکرون، وضعیت هوا در بندر ماهشهر با شاخص ۱۵۵ میکروگرم بر متر مکعب در وضعیت قرمز و ناسالم برای همه گروه های سنی قرار داشت. همچنین وضعیت هوا در شهر آبادان ۱۱۶، امیدیه ۱۰۵، اندیمشک ۱۲۲، ایستگاه های استاندارد، نیوساید و پادادشهر در اهواز به ترتیب ۱۴۷، ۱۴۵ و ۱۴۶، خرمشهر ۱۳۲، شادگان ۱۲۸، شوشتر ۱۳۶ و هویزه ۱۰۳ در وضعیت نارنجی و ناسالم برای گروه های حساس گزارش شده است. آلودگی هوا یکی از تبعات تخریب محیط زیستی و یکی از موضوعات اعتراضی مردم در خوزستان است.

- مریم زلکی از بازداشت شدگان تجمع متحدانه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳



در گرامیداشت خواست "آزادی زندانیان سیاسی"

کارگر کارگاهی - حمید دائمی

۳۰ خرداد سالروز سرکوب و دستگیری وحشیانه چند صد هزار مبارز انقلابی و شکنجه و اعدام ده ها هزار زندانی سیاسی توسط رژیم جنایتکار اسلامی در سال ۶۰ است. سی خرداد در عین حال مصادف است با سالروز جان باختن ندا آقاسلطان در خیزش انقلابی سال ۸۸ مردم است و در ادامه حکومت جانین اسلامی صدای هرگونه اعتراض و اجتماعی را با سرکوب، گلوله، زندان و قتل و اعدام مواجه کرده است. سی خرداد روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را گرامی می داریم.

۳۰ خرداد سمبل تمامیت آزادی خواهی و برابری طلبی است که پرچمدار آن کمیته آزادی زندانیان سیاسی بوده است و روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی نامگذاری شد.

نفس وجود زندانی سیاسی در یک جامعه، مصادف است با سیستمی که تاب و تحمل صدای مخالف را نداشته و مخالف آزادی و آزادیخواهی است و نام رایج آن، "رژیم دیکتاتوری" است. از سوی دیگر وجود زندانی سیاسی به معنی مقاومت و مبارزه برای بدست آوردن آزادی و آزادی بیان، مبارزه با تبعیض، سرکوب و نابرابری و برپایی جهانی که مدافع آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و فعالیت اجتماعی است. زندانیان سیاسی در ایران از تنوع در جایگاه و خواستگاه اقتصادی و طبقاتی برخوردارند و تفاوت های اجتماعی، فرهنگی و عقیدتی و سیاسی را نمایندگی می کنند. این خود به معنای نمایندگی تمامی بخش های جامعه در مقابل رژیم سرکوب و زندان و کشتار از طرف زندانیان سیاسی است.

یکی از ابزارها و دستاویزهای حکومت خونریز جمهوری اسلامی، از ابتدای به قدرت رسیدن، سرکوب و مقابله با نهادها و سازمان های مدنی و اجتماعی و سیاسی بوده است و به اصطلاح خودشان "در نطفه خفه کردن هرگونه تشکل و تجمع" بوده است. این شیوه سرکوب، مانع جدی بر سر راه دفاع از مظلومان و ستمدیدگان است. برای دفاع از محرومان نهادهای مدنی هزینه بسیاری دادند. بسیاری از وکلای منفرد و یا گروه های وکلا علیرغم فشار دستگاههای امنیتی رژیم شجاعانه مدافع زندانیان سیاسی شدند و تعداد زیادی از آنها خود در لیست زندانیان سیاسی و مغضوبانی قرار گرفتند و طی سال های اخیر مورد حمله و هجوم باندهای سپاه رژیم واقع شدند.

طی ۴۵ سال حکومت جمهوری اسلامی، هرگونه دادخواهی و حق طلبی از طرف رژیم با سرکوب و زندان مواجه شده است. خانواده های زندانیان، جانباختگان، و محکومین به احکام غیر انسانی و همچنین مدافعان آنان مورد تهاجم و اتهام های وحشتناک قرار گرفته اند.

اما با شروع انقلاب مهسا، یک رکن اساسی مبارزه مردم، دفاع از زندانیان و سرکوب شدگان و از جمله مهم ترین آنان؛ محکومین به اعدام بوده است. حتی از درون زندان و بخصوص خود زندانیان سیاسی در زندان های مختلف، مبارزین سرسخت علیه اعدام هستند.

باوجود محدودیت ها و فشارهای سنگینی که به آنان تحمیل می شود، همچنان پیگیر توقف احکام اعدام و برچیدن این حکم غیر انسانی هستند.

یک الگوی بسیار راهبردی و اثر گذار، جمع بندی نظرات جامعه در دفاع از زندانیان و حقوق انسانی آنان، ظهور منشورها و بیانیه های درخشان از گوشه گوشه جامعه است که کماکان ادامه دارد. همه این راهکارها و برنامه عمل ها که از سوی نهادهای کارگری و اجتماعی به جامعه ارائه شد، خواستار و مدافع پیگیر و سرسخت آزادی بی قید و شرط بیان، رفع تمامی تبعیض ها و آزادی بی درنگ تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستند.

اتفاق مهم دیگر در انقلاب زن زندگی آزادی، تأسیس و تشکیل گروه های مختلف سیاسی و اجتماعی و صنفی در جایگاه ها و بخش های مختلف جامعه است. این نهادها عمدتاً خودجوش و مستقل از هم ایجاد و تکثیر شدند. خود سازماندهی جامعه اتفاق بزرگی است. اما از آن بزرگتر، اتصال و ارتباط و هماهنگی این تشکل ها با یکدیگر و حمایت و پشتیبانی از مطالبات و حقوق یکدیگر است. این شیوه عمل سازمان ها و نهادهای اجتماعی، در روند تکاملی خود به نقاطی دست پیدا می کنند که قادر به تعیین سرنوشت و اثرگذاری تاریخی در جهت تغییر بنیادهای جامعه پوسیده حاکم خواهند شد. پس بی هیچ تعارفی باید پذیرفت، هیچ تشکل انقلابی بدون ارتباط با بستر اصلی انقلاب، نه اثر گذاری بهینه خواهد داشت و نه الزاما به سرانجام روند انقلاب متصل خواهد ماند. چاره کار حمایت از دیگر بخش های جامعه انقلابی و عالی ترین شکل آن اتصال به حزب انقلابی است.

این نه تنها به معنای یک گام به جلو رفتن جامعه، که اعلانی سراسری از سوی جامعه با فریاد "به عقب باز نمی گردیم" است و اینکه آزادی و برابری و رفاه و رفع تبعیض را تا انتها پیگیریم.

از اینرو این رویکرد، یعنی حمایت از زندانیان سیاسی و حقوق انسانی و اجتماعی و شهروندی شان؛ دفاع و حمایت از حقوق صنفی، سیاسی، قضایی این عزیزان که از جان و مال و موقعیت امروز و فردای خویش گذشته و تمام قد در مقابل رژیم جنایتکار سرمایه اسلامی ایستاده اند؛ دفاع از حقوق و مطالبات کل جامعه، فارغ از نژاد، جنسیت، ملیت و فرهنگ و مذهب است.

وظیفه ما کارگران حمایت همه جانبه از کمپین جهانی حمایت از زندانیان سیاسی است. دفاع از این کارزار جهانی، به معنای دفاع از تمامی آزادی بیان و عقیده و آزادی انتخاب و اختیار در جامعه ارتجاعی سرمایه اسلامی است. این خواست و مطالبه انسانی را بایستی در هر گوشه و کنار جامعه تبلیغ و اهدافش را ترویج کرد. بدون دفاع از آزادی در همه عرصه های اجتماعی، و بخصوص آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، رهایی از جهنم جمهوری اسلامی و تحقق سوسیالیسم ناممکن است و پیشبرد و هدایت این وظیفه، کار ما کارگران کمونیست است.

زنده باد حزب کمونیست کارگری

زنده باد آزادی و برابری

به حزب
کمونیست کارگری
پیوندید!



تلگرام: @wpi_tamas
۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

پیام کمیته بین المللی علیه اعدام بمناسبت روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی

در روز ۲۰ ژوئن روز حمایت از زندانیان سیاسی شعار آزادی کلیه زندانیان سیاسی را همه جا طنین انداز کنیم

خواست آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی را طنین انداز کنیم بطوری که فریاد های ما از دیوارهای زندانها عبور و به گوش همه زندانیان سیاسی برسد. در بیست ژوئن علیه اذیت و آزار فعالین اجتماعی، مدافعین حقوق زن و کودک و فعالین کارگری و سرکوب مخالفین اعدام و شکنجه قد علم کنید و خواستار حقوق و آزادیهای سیاسی و مدنی ای شوید که از شما سلب شده است. حربه سرکوب و تهدید زندان و شکنجه با اتحاد ما می تواند و باید خنثی شود. در بیست ژوئن نیرویمان را برای روزی آماده کنیم که با سرنگونی این رژیم جنایتکار و با گشودن درب های زندانها همه زندانیان سیاسی را آزاد خواهیم کرد. در بیست ژوئن عهد ببندیم که به هیچ نیروی اجازه نخواهیم داد که در فرادی ایران کسی را به خاطر ابراز عقیده و نظرش و یا به دلیل اعتراض برای حقتش و یا به دلیل تلاشش برای ایجاد تشکل و یا برگزاری تجمع بازداشت و زندانی کند. آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب حق مسلم همه شهروندان است.

کمیته بین المللی علیه اعدام - ۲۴ خرداد ۱۴۰۳ - ۱۳ ژوئن ۲۰۲۴
برگرفته از مدیای اجتماعی

چند سالی است که در سالگرد کشتار مخالفین سیاسی از سوی جمهوری اسلامی در سی خرداد سال ۱۳۶۰ که در عین حال مصادف است با سالروز جان باختن ندا آقاسلطان، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی را اعلام کرده است. در این روز که معمولاً مصادف با بیست ژوئن است با برگزاری گردهمایی های اعتراضی و کنفرانس ها همه توجه ها به زندانیان سیاسی و تلاش برای آزادی و حمایت از آنها جلب می شود.

زندانی کردن انسانهایی که به دلیل بهتر کردن شرایط کار و زندگی شهروندان تلاش کرده اند نه فقط باید محکوم شود بلکه بعنوان نقض حقوق پایه ای مردم و سلب آزادی انسانها باید اقدامی ضد انسانی و مجرمانه تلقی شود. زنان و مردانی که به دلیل مبارزه برای رفع تبعیض علیه زنان و یا در اعتراض به بی حقوقی کارگران و یا جوانانی که به دلیل شورش علیه اختناق مذهبی و یا معلمانی و بازنشستگانی که برای حقوق صنفی و سیاسی خود زندانی شده اند نه فقط مرتکب جرمی نشده اند بلکه به رشد و تعالی جامعه ایران کمک کرده اند. جمهوری اسلامی زندانیان سیاسی را "دشمن" قلمداد می کند ولی این انسانهای آزاده در نزد مردم ایران قهرمانان و نماینده آبرو و شرف مردم هستند.

در بیستم ژوئن با برگزاری گردهمایی ها و برنامه های اعتراضی متعدد در همه جا

۳۰ خرداد (۲۰ ژوئن) برای آزادی زندانیان سیاسی همصدا شویم!

زندانیان سیاسی، زنانی هستند که به آپارتاید جنسیتی حاکم اعتراض کردند و حاضر به قبول حجاب اجباری نشده اند.
زندانیان سیاسی معلمان، کارگران و بازنشستگانی هستند که برای پیگیری حق خود از معیشت و منزلت در زندان هستند.
زندانیان سیاسی انسانهای "ال جی بی تی کیو پلاس های" (LGBTQ+) هستند که به جرم بیولوژیک بدنشان در انتخاب گرایش جنسی خود در زندان هستند.
زندانیان سیاسی جوانانی هستند که زندگی آزاد را حق خود میدانند.
زندانیان سیاسی برای دفاع از حق داشتن یک زندگی آزاد و برابر در زندانها محبوس شده اند.

۳۰ خرداد روز تاریخی اعتراض برای آزادی زندانیان سیاسی است و هم صدا با هم برای آزادی همه زندانیان سیاسی فریاد بر آریم.
شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" را در مراسمها و تجمعات مان در کنار تمام خواسته ها و مطالباتمان فریاد بزنیم. دیوار های شهر را با نصب عکسهای زندانیان و شعار نویسی پر کنیم. عزیزان ما برای آزادی جان بایستند و ما ادامه دهندگان راه آنها با فریاد "زن زندگی آزادی" و با قدرت اتحاد و همصدایی خود زندانیان سیاسی را آزاد کنیم. نهاد دادخواهان - ۲۵ خرداد (برگرفته از مدیای اجتماعی)

زندانیان سیاسی تنها به جرم بیان عقیده و افکار خود و یا اعتراض به سیاستهای ضد بشری حاکم در سخت ترین شرایط، همراه با شکنجه های گوناگون در زندانهای جمهوری اسلامی، مقاومت میکنند و سالهای زندگی خود را پشت میله های زندان میگذرانند
زندانیانی که با احکام اعدام روبرو هستند و هر لحظه سایه مرگ را بر زندگی و حیات خود حس میکنند.

زندانیان سیاسی که از درون زندان نیز دست از مبارزه برنداشته، برای لغو همه احکام اعدام در زندان قزلحصار اعتصاب غذا کردند و اعتراض خود را علیه اعدام زندانیان جرایم مواد مخدر اعلام کردند و به زندانهای دیگر گسترش دادند و صدایشان جهانی شد.

هم اکنون بیست هفته از کارزار #سه_شنبه_های_علیه_اعدام میگذرد.
زندانی سیاسی همان دادخواه زندانی است که عزیزش به دست سرکوبگران حکومتی کشته شده است و به جرم دادخواهی در زندان است.

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست



وسیعاً از روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی ۲۰ ژوئن پشتیبانی کنیم

آزادشان کنید!

FREE THEM NOW

June 20th: International day in support of political prisoners in Iran

FREE ALL JAILED WORKERS AND TEACHERS IN IRAN

اسامی برخی از فعالین کارگری زندانی: داوود رضوی، رضا شهبانی، حسن سعیدی، نسرتین جوادی، ناهید خداجو، عباس دریس، رضا اقدسی، شریفه محمدی، عثمان اسماعیلی، کیوان مهتدی، مهران رفوف، سپیده قلیان، ریحانه انصاری نژاد، ابوالفضل غسانی، راحله راحمی پور (خانواده دادخواه و بازنشسته)

اسامی برخی از معلمان زندانی: سلمان الفتی، مریم زنگه، رسول بدقی، هاشم خواستار، ناهید شیرپیشه، جواد لعل محمدی، احمد علیزاده، زینب همرنگ، اصغر امیرزادگان، عزیز قاسم زاده، امان جلالی نژاد، محمدحسین سپهری، سیسل کولر، ژاک پاری

CAMPAIGN TO FREE JAILED WORKERS IN IRAN

ISLAMIC REGIME OF IRAN OUT OF ILO

۲۰ ژوئن روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی است. کمیته آزادی زندانیان سیاسی پس از چهارده سال تلاش و مبارزه برای جهانی کردن سی خرداد- بیست ژوئن، امسال این روز را به جایگاه "مبارزات زنان در جامعه"، "شکنجه دارویی"، "بازداشت خانواده های دادخواه و فعالین"، "دخالل و سرکوب فرا ملی" و "احکام اعدام" اختصاص داده است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی از این فراخوان کاملاً پشتیبانی میکند و از همه تشکلهای کارگری و نهادهای انساندوست در سراسر جهان انتظار دارد که همبستگی خود را با کارگران و معلمان زندانی و تمام زندانیان سیاسی اعلام کنند و از مبارزات بر حق مردم در ایران برای دستیابی به آزادی و زندگی انسانی وسیعاً پشتیبانی کنند و به هر شکل که میتوانند در آکسیونهای اعتراضی ای که در این روز علیه حکومت اسلامی سرکوبگر در شهرهای مختلف برگزار میشود شرکت کنند و پیام همبستگی دهند.

امسال در دو سالگی انقلاب زن زندگی آزادی، روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی جایگاه سیاسی برجسته تری پیدا کرده است. بویژه بدنبال سرکوب گسترده مبارزات مردمی و فروکش کردن اعتراضات در کف خیابان جمهوری اسلامی ماشین سرکوب و جنایتاش را فعالتر کرده تا دستاوردهای انقلاب را پس بگیرد و کل جامعه را عقب زند. طی این دو سال هزاران نفر بازداشت شدند. آزار و شکنجه زندانیان در درون زندانها ابعاد جنایتکارانه تری بخود گرفت و اعدامها نیز گسترش یافت. هم اکنون ما شاهد بیشترین فشارها بر معلمان، فعالین کارگری، دانشجویان، خانواده های دادخواه و تشکلهای مردمی هستیم. در این اوضاع و احوال تشدید سرکوبگریها علیه فعالین کارگری و معلمان به حد غیرقابل تحملی رسیده است و وضعیت در ایران اضطراری است و زندانیان سیاسی نیاز به وسیعترین حمایت های بین المللی دارند.

شمار قابل توجهی از فعالین کارگری، معلمان معترض در کنار هزار زندانیان سیاسی دیگر هم اکنون در زندانند. اسامی معلمان و کارگران زندانی از جمله عبارتند از: رضا شهبانی، حسن سعیدی، داوود رضوی، نسرتین جوادی، ناهید خداجو، عثمان اسماعیلی، عباس دریس، رضا اقدسی، شریفه محمدی، کیوان مهتدی، مهران رفوف، سپیده قلیان، ریحانه انصاری نژاد، ابوالفضل غسانی (از کارگران زندانی و فعالین حامی جنبش کارگری) راحله راحمی پور (خانواده دادخواه و بازنشسته) و سلمان الفتی، مریم زنگه، نجات انورحمیدی، رسول بدقی، هاشم خواستار، ناهید شیرپیشه، جواد لعل محمدی، احمد علیزاده، زینب همرنگ، اصغر امیرزادگان، عزیز قاسم زاده، امان جلالی نژاد، محمدحسین سپهری (از معلمان زندانی) سیسل کولر، ژاک پاری (دو معلم از فرانسه که به جرم تماس با فعالین کارگری با اتهام جاسوسی بازداشت شده اند)

در مقابله با سرکوبگریهای حکومت، زنان شجاعانه ایستاده اند و فضای غالب خیابانها بی حجابی است. این شرایط تأکیدی بر گرامیداشت قدرتمند تر روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و علیه اعدامها یک عرصه مهم مبارزه در تداوم قدرتمند انقلاب است.

۲۰ ژوئن روز اعتراض برای آزادی زندانیان سیاسی، بهترین فرصت است که صدای اعتراض خود را علیه جنایات و سرکوبگری های حکومت اسلامی بلند کنیم و خواستار آزادی تمامی زندانیان سیاسی شویم. ما خواهان بایکوت جهانی رژیم اسلامی و اخراج آن از سازمان جهانی کار و دیگر نهادهای بین المللی هستیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندان، ۱۲ ژوئن ۲۰۲۴
 shahla.daneshfar2@gmail.com
 http://free-them-now.com

در حمایت از ۲۰ ژوئن روز جهانی زندانیان سیاسی در ایران!

فشار آوردن بر جمهوری اسلامی، خواست آزادی فوری همه زندانیان سیاسی در ایران را هرچه وسیعتر مطرح کنند. هیات هماهنگی کارزار جهانی نه به اعدام در ایران (برگرفته از مدیای اجتماعی)



بدینوسیله اعلام میکنیم که از روز ۲۰ ژوئن بعنوان روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران حمایت میکنیم. این روز که مصادف با ۳۰ خرداد و سالروز جان باختن ندا آقا سلطان و بسیاری دیگر از عزیزان مردم ایران است، سالهاست که از سوی خانواده های زندانیان سیاسی و بسیاری نهادها و سازمان های ایرانی و غیر ایرانی بعنوان روزی شناخته شده که از زندانیان سیاسی و خانواده های آنها حمایت شود، جنایات جمهوری اسلامی علیه زندانیان سیاسی محکوم شود و فریاد آزادی زندانیان سیاسی طنینی هرچه وسیعتر یابد.

ما از همه اعضا و حامیان و همراهان کارزار جهانی نه به اعدام در ایران دعوت میکنیم که ۲۰ ژوئن را بعنوان روز حمایت جهانی از زندانیان سیاسی گرامی دارند و در پاسخ به فراخوان «کمیته آزادی زندانیان سیاسی» (در هفته ۱۵ تا ۲۳ ژوئن ۲۰۲۴ در اشکال مختلف، اعم از تظاهرات ها و اجتماعات و پرفرمنس ها یا ملاقات با نمایندگان نهادهای مترقی و حقوق بشری بین المللی و یا نمایندگان دولتها بمنظور